

بررسی قانون انتخابات مجلس نمایندگان لبنان^۱

خیرالله پروین^۲

روح‌الله علی‌دازاده^۳

چکیده

قانون انتخابات ۲۰۰۸ مجلس نمایندگان لبنان، جامع‌ترین قانون انتخابات در بین قوانین انتخاباتی گذشته به شمار می‌رود. در این قانون سعی شده است با وضع مقررات و احکام نسبتاً جامع، به سلامت و شفافیت هر چه بیشتر، به برگزاری انتخاباتی منصفانه کمک شود. این قانون، در سال ۲۰۰۸ در یازده فصل و ۱۱۷ ماده به تصویب مجلس نمایندگان رسید و تا حدود زیادی با معیارهای بین‌المللی برای برگزاری یک انتخابات دمکراتیک سازگار است؛ به‌ویژه در خصوص شرایط رأی‌دهندگان^۴ و نامزدها، شمارش آراء، تهیه فهرست‌های انتخاباتی، هزینه‌های انتخاباتی و حضور فعال رسانه‌ها در زمینه تبلیغات. این قانون، همچون قوانین پیشین، بر محور نظام طایفه‌گری به توزیع ۱۲۸ کرسی نمایندگان مجلس در حوزه‌های مشخص شده، به صورت مساوی بین مسیحیان و مسلمان در جدول پیوست شده به قانون می‌پردازد که این خود باعث شده این قانون و نظام انتخاباتی مجلس نمایندگان لبنان، یک نظام منحصر به فرد در بین نظام‌های انتخاباتی دنیا تلقی شود.

کلید واژه‌ها: قانون انتخابات، مجلس، طایفه‌گری، انتخابات، نمایندگان.

^۱ تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۷/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۱/۲

^۲ استادیار گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

^۳ کارشناس ارشد حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

^۴ البته جز در دو مورد زیر:

۱. سپری شدن ده سال برای کسانی که کسب تابعیت می‌کنند؛

۲. منع نظامیان از رای دادن

در قانون اساسی ۱۹۲۶ پارلمان، متشکل از دو هیئت قانونگذاری بوده است: مجلس سنا و مجلس نمایندگان؛ مجلس سنا طبق اصل ۲۲ قانون اساسی ۱۹۲۶ متشکل از ۱۶ عضو بود که ۷ نفر از اعضای آن را رئیس کشور در شورای وزیران منصوب می کرد و ۹ نفر دیگر توسط مردم انتخاب می شدند. اما، این مجلس هیچ گاه تشکیل نشد و یک سال بعد، یعنی در ۱۷ تشرین الاول ۱۹۲۷ ملغی شد.^۵ مجلس نمایندگان بر طبق قانون اساسی به خصوص مبحث دوم از فصل دوم، و بند سوم از فصل چهارم، و «آیین نامه داخلی مجلس نمایندگان»، صلاحیت های خود را در زمینه های «قانونگذاری، نظارت، قضایی و انتخابات» اعمال می کند و در کنار این موقعیت اساسی که در نظام پارلمانی لبنان دارد، نقش اساسی و محوری را در تعامل و گفت و گوی همیشگی بین طوایف به منظور تحکیم زندگی مشترک، تثبیت وحدت ملی و محقق ساختن آرامش و ثبات دارد. این موضوع از خلال جذب واقعیت های فرقه ای و تغییر حالت طایفه گری به ملی گرایی که وابستگی ملی بر وابستگی طایفه ای چیره شود؛ محقق می شود.^۶ تعداد و نحوه انتخابات نمایندگان بر طبق اصل ۲۴ قانون اساسی، به موجب قوانین انتخاباتی صورت می گیرد که این مسأله به دلیل سهولت تغییر در تعداد و کیفیت برگزاری انتخابات، در نتیجه طرح مسایل و موضوعات جدید است؛ چرا که قانون انتخابات نسبت به قانون اساسی راحت تر تغییر می کند.^۷

در ادامه اصل ۲۴ قانون اساسی، مقرر شده است تا زمانی که مجلس نمایندگان، یک قانون انتخابات بدون قید مذهبی را وضع کند، کرسی های دو مجلس بر اساس قواعد ذیل توزیع می شوند:

الف) به شکل مساوی بین مسیحیان و مسلمانان؛

ب) به شکل نسبی بین جوامع هر یک از دو طبقه مزبور؛

ج) به شکل نسبی بین مناطق مختلف.

بنابراین، از ۱۲۸ نماینده مجلس که برای مدت چهار سال، انتخاب می شوند، باید ۶۴ نماینده مسیحی، و ۶۴ نماینده مسلمان باشند. هدف قانونگذار، ایجاد توازن نسبی در زمینه توزیع نمایندگان بین فرقه ها و مناطق مختلف در کشور لبنان است.

در کنار قانون اساسی، منع اصلی انتخابات مجلس نمایندگان، قانون انتخابات مصوب سال ۲۰۰۸ است^۸ که بعد از بحران داخلی که در لبنان به وجود آمد و توافقی که بین گروه های لبنانی در دوحه صورت گرفت؛ این قانون، به تصویب مجلس نمایندگان رسید. این قانون که جامع ترین قانون انتخابات در بین کل قوانین انتخاباتی در لبنان است، قواعد و مقررات مرتبط به انتخابات را به صورتی تقریباً شفاف و کامل وضع کرده است. قانونگذار در این قانون سعی کرده تا

^۵. در اصلاحیه که در سال ۱۹۹۰ در اصل ۲۲ قانون اساسی صورت گرفت، دوباره بر تشکیل مجلس سنا تأکید شده، البته با تفاوت های نسبت به قانون ۱۹۲۶ با انتخاب اولین مجلس نمایندگان بر اساس ملی و مذهبی، مجلس سنایی تأسیس خواهد شد که تمامی جوامع فکری در آن نمایندگی دارند و اختیارات آن محدود به مسایل خیلی مهم می باشد. بنابراین، ایجاد این مجلس می تواند «سویاپ اطمینانی باشد برای طوایف، به خصوص در امور سر نوشت ساز و نگرانی آن ها را از الغاء طایفه گری تا حدودی کم نماید»؛ ر. ک.:

زهیر شکر، الوسیط فی القانون الدستوری اللبانی، لا دار نشر، الجزء الاول، ۲۰۰۶، ص ۴۳۸.

^۶. المرکز العربی لتطویر حکم القانون النزاهة، ۲۰۰۷، ص ۲۳۵.

^۷. تغییرات در تعداد نمایندگان را به عنوان عاملی که «سعی در ایجاد توازن بین نیروهای فعال و موثر در لبنان دارد» دانستند: نحو تطویر العمل البرلمانی العربی، المرکز اللبانی للدراسات، بیروت - لبنان، الطبعة الاولى، ۲۰۰۱، ص ۱۰۳.

^۸. برای آگاهی بیشتر با قانون انتخابات مجلس نمایندگان مصوب سال ۲۰۰۸، ر. ک.: علیدادزاده روح ا...، پایان نامه کارشناسی ارشد، بررسی حقوقی نظام انتخاباتی لبنان، ۱۳۸۹، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران؛ همچنین، علیدادزاده، روح ا...، ترجمه قانون انتخابات، ۲۰۰۸ مجلس نمایندگان، معاونت پژوهشی دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش های مجلس (۱۳۸۹).

قواعد و مقررات منطبق با معیارها و موازین بین‌المللی در زمینه انتخابات وضع کند. البته، این نکته در مورد پژوهش پیش رو، لازم به ذکر است که به دلیل اهمیت بحث نظارت بر انتخابات و عدم امکان بررسی جامع آن در این مقاله، از مطرح کردن آن خودداری شده است.

۱. اصول نظام انتخاباتی لبنان

مبانی نظام انتخاباتی لبنان را با توجه به نظریه حاکمیت ملی که بر روح قانون اساسی حاکم است؛^۹ به خصوص، اصل ۲۷ قانون اساسی: «عضو مجلس، نماینده تمام ملت است؛ وی نمی‌تواند هیچ نوع وکالت مقیدی را از سوی انتخاب کنندگان خود بپذیرد». همچنین با توجه به قانون انتخابات مجلس نمایندگان، می‌توان اصول زیر را در مطرح کرد:^{۱۰}

۱-۱. رأی‌گیری عمومی

کشور لبنان با توجه به پذیرش تعدادی از کنواسیون‌های بین‌المللی به خصوص میثاق حقوق مدنی سیاسی و کنواسیون رفع تبعیض علیه زنان،^{۱۱} و امضای کنواسیون دفاع از حقوق معلولین، تا حدود زیادی معیارهای رأی‌گیری عمومی را مورد پذیرش قرار داده که این موضوع در ماده یک و سه قانون انتخابات و اصل ۲۱ قانون اساسی نمود پیدا کرده است. اما نکته‌ای که لازم به ذکر است و در واقع ایرادی که به قانون انتخابات می‌توان وارد نمود، بحث ممنوعیت حق رأی برای افراد نظامی و امنیتی قبل از بازنشسته شدن است که با توجه به معیارهای بین‌المللی درباره محدودیت‌های حق رأی، نمی‌توان این ممنوعیت را منطقی دانست.^{۱۲} همچنین می‌توان قرار دادن تابعیت ده سال برای اعمال حق رأی کسانی که کسب تابعیت می‌کنند تا حدودی منصفانه ندانست، و بهتر می‌بود که این سن کاهش داده می‌شد.

۱-۲. انتخابات مستقیم

انتخابات در لبنان با توجه به ماده یک قانون انتخابات، به صورت مستقیم (یک درجه‌ای) برگزار می‌شود. ... رأی‌گیری به صورت عمومی و یک درجه‌ای است.^{۱۳} گفتنی است در لبنان از سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۳۴ انتخابات، به صورت دو درجه‌ای بود.

۱-۳. اصل اختیاری بودن

طبق این اصل، شهروندان لبنانی می‌توانند از حق رأی خود، بدون هیچ گونه تکلیفی یا مسئولیت قانونی اعمال یا از اعمال آن خودداری کنند، که این موضوع را می‌توان از ماده سه قانون انتخابات استنباط کرد: «هر مرد و زن لبنانی می‌تواند حق رأی خود را اعمال کند». این اصل برای اولین در قانون انتخابات ۱۹۶۰ مورد تأیید قرار گرفت.

۱-۴. انتخابات فهرستی بر اساس طایفه‌گری دینی

^۹ صباغ، سمیر، *الدستور اللبناني من التعديل الى التبدیل*، المؤسسات الجامعية للدراسات و النشر و التوزيع، بیروت، ۲۰۰۰، ص ۴۲۶.

^{۱۰} نظریه‌ای که قانون اساسی در اصل ۲۷ و با توجه به روح آن، مورد پذیرش قرارداد، دور از واقعیت است؛ چنانچه ادمون رباط می‌گوید: «نماینده، خود را نماینده منطقه و در بعضی از مواقع نماینده رأی‌دهندگان و یارانش می‌داند.»؛ شکر، همان، ص ۴۳۸. و همچنین با توجه به نظام طایفه‌گری که در لبنان وجود دارد و کرسی‌های نمایندگی تنها به طوایف و مذاهب به رسمیت شناخته شده، تعلق می‌گیرد؛ می‌توان گفت که حاکمیت ملی و نمایندگی ملی مخدوش شده است.

^{۱۱} برای اولین بار در قانون انتخابات سال ۱۹۵۲ زنان، از حق رأی برخوردار شدند.

^{۱۲} Lebanon - The Preliminary Statement of Carter Center on the 2009 Parliamentary Elections in Lebanon, p.2. www.cartercenter.org.

نظام انتخاباتی، فهرستی از گذشته تا امروز، در لبنان به اجراء درآمده^{۱۳}، و اکنون قانون انتخابات در ماده ۲ و جدول پیوست شده به این قانون، «کرسی‌های مجلس بین طوایف مشخص شده، در جدول پیوست شده به این قانون، توزیع می‌شوند». نظام انتخاباتی فهرستی را با تقسیم لبنان به ۲۶ حوزه انتخاباتی و اختصاص دادن چند نماینده برای هر حوزه، مورد پذیرش قرار داده است و رأی‌دهندگان در هر حوزه می‌توانند با توجه به فهرست‌هایی که نامزدها ارائه می‌دهند، به چند نامزد با حق انتخاب نامزدها از چند فهرست^{۱۴} و با توجه به تعداد کرسی‌ها که به آن حوزه اختصاصی داده شده، رأی دهند. بنابراین، فهرست‌ها با توجه به طوایفی که در آن حوزه دارای کرسی نمایندگی هستند تنظیم می‌شوند و رأی‌دهندگان هم فقط به نامزد طوایفی که در آن حوزه دارای کرسی نمایندگی هستند با حق انتخاب آزادانه از بین نامزدها حتی به نامزدها طایفه دیگر رأی می‌دهند.

مناسب به نظر می‌رسد مختصری در مورد طایفه‌گری در لبنان برای آگاهی و اشراف بیشتر بر نظام انتخاباتی لبنان توضیح داده شود؛ زیرا بحث طایفه‌گری است که نظام انتخاباتی لبنان را در بین نظام‌های انتخاباتی منحصر به فرد ساخته است.

طایفه‌گرایی از گذشته دور در لبنان با مهاجرت مارونی‌ها به جبل لبنان آغاز، و نظام نامه شکیب افندی در تاریخ ۱۸۶۱ آن را به صورت قانون درآورد، و در واقع آن را تثبیت کرد. این امر سبب تأسیس یک حکومت کوچک فرقه‌ای برای اولین بار در تاریخ شام شد،^{۱۵} و در سال ۱۹۲۶ وارد اولین قانون اساسی لبنان شد و نظام سیاسی لبنان را به شکل طایفه‌ای تنظیم کرد. طبق اصل ۹۵ قانون اساسی ۱۹۲۶ «به طور موقتی و با هدف ایجاد عدالت و صلح، طوایف به طور عادلانه در مشاغل دولتی و ترکیب وزارتی حضور دارند، بدون این که این امر بتواند به مصلحت دولت ضرر برساند». وجود این اصل در قانون اساسی، سبب عرف مستحکمی بین طوایف شده بود؛ به طوری که قانونگذار در اصلاحیه سال ۱۹۹۰ نتوانست طایفه‌گری را لغو کند و صرفاً بر اتخاذ تدابیر لازم در آینده، برای لغو طایفه‌گری تأکید کرد؛ به این شرح که:

مجلس نمایندگان لبنان بر اساس مساوات میان مسلمانان و مسیحیان تدابیر لازم را برای جذب طایفه‌گرایی سیاسی بر اساس یک برنامه مرحله‌بندی شده اتخاذ می‌کند.

در طول دوره انتقالی:

۱. تمامی طوایف به شکل عادلانه‌ای در تشکیل دولت حضور دارند؛
 ۲. قاعده نمایندگی فرقه‌ای لغو شده است. قاعده مزبور با تخصیص و صلاحیت مشاغل دولتی، مناصب قضایی و سازمان‌های نظامی و امنیتی و مؤسسات دولتی و نیمه‌دولتی بر اساس الزامات آشتی ملی به استثنای طبقه اول مشاغل یا مشاغل معادل، جایگزین می‌شود. مشاغل مزبور به طور مساوی بین مسیحیان و مسلمانان تقسیم می‌گردد و با رعایت اصول تخصصی و صلاحیت شغلی به طایفه‌ای مشخص اختصاص داده نمی‌شود.^{۱۶}
- این اصل، مخالف برابری تمامی شهروندان در برابر قانون و دادن فرصت برابر به آن‌ها به خصوص با اصل ۲ قانون اساسی در تضاد است: «همه لبنانی‌ها در برابر قانون یکسان هستند و باید به طور مساوی از حقوق مدنی و سیاسی استفاده کنند؛ بدون این که فرقی بین آن‌ها باشد»؛ اما، چگونه امکان دارد که «این تساوی به صورت واقعی و حقیقی وجود داشته باشد در صورتی که بعضی از لبنانی‌ها دارای امتیازات و حقوقی هستند که دیگر شهروندان از چنین امتیازاتی بی‌بهره

^{۱۳}. رباط، ادمون، الوسیط فی القانون الدستوری العام، دارالعلم الملايين، الطبعة الثالثة، ۲۰۰۴، ص ۴۲۸.

^{۱۴}. حوری، عمر، القانون الدستوری، منشورات الحلبي الحقوقية، ۲۰۰۸، ص ۱۸۱.

^{۱۵}. سوید، یاسن: ۲۰۰۸، <http://alshahed.free-forums.org>

^{۱۶}. این تبعیض در عالی‌ترین مناصب سیاسی به این صورت است: رئیس‌جمهور: مارونی؛ نخست‌وزیر: سنی؛ رئیس مجلس: شیعه.

آیا تا زمانی که حقوق نابرابر برای شهروندان وجود دارد می‌توان گفت نظام دموکراتیک اعمال می‌شود؟ حقوقی که نه بر اساس شهروند بودن، بلکه بر اساس طایفه‌گری است.^{۱۸} این تقسیم قدرت میان طوایف بین نمایندگان مجلس به صورت تقسیم مساوی نمایندگان مسیحی و مسلمان است و در درون هر کدام از این ادیان نیز شاهد تقسیم نمایندگی بین فرقه‌ها هستیم».

۵-۱. حوزه انتخاباتی

حوزه‌های انتخاباتی در لبنان، در زمینه ادغام یا تفکیک، همواره با تغییراتی روبرو بوده است؛ به طوری که می‌توان گفت یکی از مشخصه‌های بارز نظام انتخاباتی لبنان، همین تغییرات پی در پی حوزه‌های انتخاباتی است. این مشخصه به عوامل متعددی باز می‌گردد که اکثر آن‌ها به پراگماتیسم گروهی و شخصی در قانونگذاری مرتبط است، بدون این که تلاشی در جهت تقسیم بندی حوزه‌ها بر مبنای معیار ثابت در جهت منافع ملت، صورت گیرد. در واقع، تغییرات پی در پی را می‌توان ناشی از سه عامل اساسی دانست:

۱. وجود مناطق نفوذ برای بعضی از رهبران در لبنان؛

۲. عامل طایفه‌گری و تحولات آن؛

۳. صلاحدید نیروهای حاکم بر کشور.^{۱۹}

بنابراین، با توجه به مطالب ذکر شده و با مروری بر قوانین حاکم بر لبنان، گاه استان، شهرستان، حوزه‌های کوچک و گاه حوزه‌های متوسط و بزرگ با هم استفاده می‌شدند. ولی، تغییرات حوزه‌ها، بیشتر حول استان و شهرستان در گردش بود.^{۲۰}

قانون انتخابات ۲۰۰۸ بر اساس توافق دوحه و با توجه به قانون ۱۹۶۰، لبنان را به ۲۶ حوزه انتخابی تقسیم نمود و شهرستان را محدوده حوزه انتخابی تعیین کرد؛ به جز حوزه‌های «مرجعین - حاصیبا، بقاع غربی - راشیا و بعلبک - الهرمل». این شهرستان‌ها (محدوده‌های حوزه انتخابی) از نظر جمعیت و اندازه کرسی‌هایی که به آن‌ها تعلق می‌گیرد متفاوت هستند. همچنین پذیرش شهرستان به عنوان محدوده حوزه انتخاباتی، مخالف قانون اساسی و توافق‌نامه طائف^{۲۱} است، که هر کدام سعی در لغو طائفه‌گری در سطح ملی دارند. به این صورت که توافق‌نامه طائف برای لغو طایفه‌گری سیاسی، استان را انتخاب کرد که دارای تنوع قومی بیشتری نسبت به شهرستان است، و شهرستان را که عامل تثبیت طائفه‌گری و مذهبی‌گرایی بود، رد کرد. قانون اساسی نیز به دنبال توافق‌نامه طائف در سال ۱۹۹۰ دچار اصلاحاتی شد و در اصل ۲۲ و ۲۴ بر لغو طائفه‌گری سیاسی برای رسیدن به نمایندگی ملی، تأکید کرد.

۲. شرایط انتخاب کنندگان

^{۱۷} نصار، ناصیف، نحو مجتمع جدید، دار الطلیعة للطباعة و النشر، ۱۹۹۵، ص ۱۴.

^{۱۸} سوید، همان.

^{۱۹} ورنه صاغیة، نزار، اقتراحات من اجل اصلاح النظام الانتخابی فی لبنان، الجمعية اللبنانية من اجل ديمقراطية الانتخابات، دار النهار للنشر، بیروت، الطبعة الاولى، ۲۰۰۴ ص ۳۹-۴۰.

^{۲۰} حوزه استان نسبت به شهرستان وسعت بیش تری از لحاظ جغرافیایی دارد، به این صورت که هر استان متشکل از چند شهرستان است.

^{۲۱} وثيقة الطائف للوافق الوطني اللبناني للعام، ۱۹۸۹.

اساس حق در نظام انتخابات دموکراتیک، حق رأی است»^{۲۲} و «پیشرفت تفکر دموکراتیک، در طول زمان، همراه با توسعه حق رأی بوده است»^{۲۳} توسعه چنین حقی باعث شده که امروزه همه شهروندان، بدون تبعیض بتوانند حق رأی خود را اعمال کنند و در زندگی سیاسی کشور خود مشارکت نمایند. چیزی که در ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفت.^{۲۴} چرا که «یکی از بارزترین سودمندی‌های حکومت آزاد، پرورش هوش و احساسات شهروندان است و این کار هنگامی می‌تواند در فروترین سطوح مردم عملی شود که برای ایفای نقشی که مستقیماً بر منافع سترگ کشور اثرگذار باشد، به همکاری فرا خوانده شود».^{۲۵} امروزه نیز بر این حق محدودیت‌هایی وارد شده، ولی این محدودیت‌ها به معنای تبعیض علیه شهروندان و نادیده گرفتن حق آن‌ها نیست؛ بلکه در جهت مصلحت اجتماع این محدودیت‌ها گذاشته شده است؛ مانند محکومیت‌های جزایی که موجب محرومیت از برخی حقوق اجتماعی می‌شود. به همین دلیل امروزه حق رأی برای همه شهروندان جز اصول یک انتخابات آزاد و منصفانه تلقی می‌شود و در قوانین اساسی کشورها به سبب رابطه مستقیم و اساسی که بین حق رأی و حقوق شهروندی و دموکراسی نمایندگی وجود دارد، مورد توجه قرار گرفته است. چرا که حق رأی، یکی از مهم‌ترین حقوق سیاسی است که شهروندان امکان اعمال آن و دستیابی به آن را دارند.^{۲۶}

حق رأی همگانی بدون هیچ‌گونه تبعیض و شرایط محدود کننده غیرمنطقی جز دو مورد (سپری شدن ده سال برای کسانی که کسب تابعیت می‌کنند، و منع نظامیان از رأی دادن) برای شهروندان لبنانی مورد پذیرش قرار گرفته است. این موضوع را می‌توان از قانون اساسی و قانون انتخابات لبنان استنباط کرد؛ به این شرح که در اصل ۷ قانون اساسی مقرر شده است «تمامی مردم لبنان در قبال قانون با هم برابر می‌باشند. آن‌ها همچنین از حقوق مدنی و سیاسی یکسانی برخوردارند...». در اصل ۲۱ قانون اساسی همه کسانی که تبعه لبنان هستند با داشتن شرایطی از حق رأی، بهره‌مند می‌باشند. قانون انتخابات نیز در فصل دوم با ایجاد شرایطی که مخالف رأی همگانی نیست — جز در یک مورد که به آن انتقاد وارد است — حق رأی همگانی را مورد پذیرش قرار داده است. بنابراین، با توجه به قانون اساسی و قانون انتخابات، در ادامه شرایطی که شهروندان باید از آن برخوردار باشند تا بتوانند حق رأی را خود اعمال کنند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. شرایط ضروری برای بهره‌مند شدن از حق رأی

۱-۱-۲. سن

طبق اصل ۲۱ قانون اساسی، هر تبعه لبنانی که به سن ۲۱ سال برسد با داشتن شرایطی از حق رأی برخوردار است. از این رو در ماده ۳ قانون انتخابات آمده است: «هر مرد و زن لبنانی که به سن مشخص شده در قانون اساسی برسد، چه مقیم باشد چه غیرمقیم، می‌تواند حق خود را اعمال کند».^{۲۷}

^{۲۲}. خسروی، حسن، *حقوق انتخابات دموکراتیک*، «اصول، مبانی و الگوی مطلوب نظام انتخابات پارلمان»، مجد، ۱۳۸۸، ص ۷۸.

^{۲۳}. طباطبایی موتمنی، منوچهر، *حقوق اساسی*، نشر میزان، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۸، ص ۱۵۷.

^{۲۴}. «هر کس حق دارد در اداره امور عمومی کشور خود، خواه مستقیماً و خواه با وساطت نمایندگی که آزادانه انتخاب شده باشند، شرکت جویند.» ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر.

^{۲۵}. استوارت میل، جان، *حکومت انتخابی*، ترجمه علی رامین، نشرنی، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۱۸۸.

^{۲۶}. الجمعية الوطنية من اجل ديمقراطية الانتخابات،

<http://www.elections-lebanon.org>

^{۲۷}. امروزه اکثر کشورهای دموکرات سن رأی را مساوی با سن رشد مدنی و کیفری قرار می‌دهند. اما در کشور لبنان این مسئله رعایت نشده است؛ چرا که طبق ماده ۲۱۵ قانون تکالیف و قراردادها سن رشد مدنی ۱۸ سال می‌باشد. در حالی که اصل ۲۱ قانون اساسی سن رشد سیاسی را ۲۱ سال قرار داده است.

۲-۱-۲. تابعیت

قانونگذار لبنانی در ماده پنج قانون انتخابات، سپری شدن ده سال از زمان کسب تابعیت را برای اعمال حق رأی لازم دانسته است. البته، سپری شدن ده سال پس از کسب تابعیت برای برخوردار شدن از حق رأی، محدودیتی غیر منطقی^{۲۸} و غیرموجه است؛ بهتر است کسانی که کسب تابعیت می‌کنند، بعد از کسب تابعیت و یا سپری شدن مدت زمان کمتری بتواند رأی دهند. همین ماده یک استثناء برای کسانی که تابعیت لبنانی کسب می‌کنند، قائل شده است و آن زنان غیر لبنانی است که با مردان لبنانی ازدواج می‌کنند. در نتیجه، زنان خارجی که با مردان لبنانی ازدواج می‌کنند، مشمول مرور زمان برای برخوردار شدن از حق رأی نمی‌شوند.

۲-۱-۳. عدم محرومیت

برای این که شهروندان لبنانی بتوانند رأی دهند، نباید از حق رأی محروم شده باشند و در واقع، جز دو دسته زیر نباشند:^{۲۹}

الف) محروم شدگان دائمی از اعمال حق رأی:

۱. اشخاصی که محکوم به محرومیت دائم از مقام و مشاغل عمومی شده‌اند؛

۲. اشخاصی که به خاطر جنایت محکوم شدند؛^{۳۰}

۳. اشخاصی که علیه آن‌ها یکی از جرایم زیر صادر می‌شود:

سرقت، کلاهبرداری، صدور چک بلا محل، خیانت در امانت، اختلاس، رشوه، سوگند دروغ، غضب، تهدید، جعل، استفاده از سند مجعول، شهادت دروغ، جرایم منافی عفت عمومی مندرج در باب هفتم قانون مجازات، جرایم مربوط به کشت و صنعت مواد مخدر و تجارت آن؛

۴. اشخاصی که ورشکستگی به تقلب آن‌ها اعلام می‌شود و یا کسانی که مجازات‌های مندرج در مواد ۶۸۹ یا ۶۹۸ قانون مجازات علیه آن‌ها صادر می‌شود. در قسمت اول بند ۷ ماده ۴ ورشکستگی و تقلب را مانع رأی دادن دانسته و با توجه به مواد ۶۸۹ تا ۶۹۸ که از ورشکستگی به تقصیر صحبت کرده، می‌توان گفت که ورشکستگی عادی مانع اعمال حق رأی نمی‌شود.

ب) محروم شدگان موقت از اعمال حق رأی:

۱. اشخاصی که محکوم به محرومیت از حقوق مدنی می‌شوند. این محرومیت‌ها از حق رأی تا زمان اجرای این مجازات‌هاست؛ مگر این که قاضی به استفاده ماده ۶۶ قانون مجازات، برای مدت اضافه بر آن (۳ تا ۱۰ سال) شخصی را محروم کند.

۲. اشخاصی که حکم قضایی دایر بر حجر آن‌ها صادر می‌شود، در طول زمان حجر.

قانونگذار لبنانی، بند اخیر را از قانون فرانسه گرفته، بدون این که به نداشتن قابلیت آن توجه کند.^{۳۱} اما، نکته‌ای که

^{۲۸}. Lebanon - The Preliminary Statement of Carter Center on the 2009 Parliamentary Elections in Lebanon, p.2. www.cartercenter.org

^{۲۹}. ماده ۴ قانون انتخابات، ۲۰۰۸ مجلس نمایندگان.

^{۳۰}. نامیبیا و لهستان به اشخاص محکوم به جرایم، اجازه رای دادن می‌دهند. ریشتردل، کلاین و باتریک مرلو، بناء الثقة فی عملية التسجيل، المعهد الديمقراطي الوطني للشؤون الدولية، لبنان، ۲۰۰۱، ص ۹.

^{۳۱}. شکر، همان، ص ۴۵۵.

باید به آن توجه کرد، این است که قانونگذار لبنانی بین محجورین ذاتی که شامل صغیر و دیوانه و محجورین به حکم قضایی که شامل غیر رشید و نادان است، تفاوت قائل شده است. با توجه به بند ۶ قانون انتخابات، تنها محجورین به حکم قضایی که حکم حجرشان صادر شده است، از رأی دادن محروم هستند. این مسأله دارای یک ایراد اساسی است؛ چرا که شخص از رشد سیاسی برخوردار نیست.^{۳۲}

۳. اشخاصی که برای مدت خاصی محروم از مقام و شغل شان می شوند، تا پایان این مدت حق رأی ندارند؛
 ۴. نظامیان و کسانی که در حکم نظامی اند، به جز بازنشستگان با هر رتبه که باشند، خواه در ارتش باشند یا نیروهای امنیتی و ملی، امنیت عمومی، امنیت دولتی و ضابط گمرک از حق رأی محروم می باشد.^{۳۳}
- بنابراین، نظامیان تا زمان بازنشستگی از حق رأی محروم هستند، اما در دوران بازنشستگی می توانند به اعمال حق رأی بپردازند. منع نظامیان از رأی دادن شاید یکی از نکات جالب توجه قانونی انتخابات لبنان باشد.^{۳۴} چرا که در قوانین انتخاباتی کشورهای دموکراتیک چنین چیزی وجود ندارد.^{۳۵} این محرومیت، مخالف حق شهروندی است که یک حق اساسی است و محدودیتی غیرمنطقی برای جلوگیری از اعمال حق رأی به نظر می رسد و با معیارهای بین المللی برای اعمال حق رأی سازگاری ندارد؛
۵. اشخاصی که مجازات های مندرج در مواد ۳۲۹ تا ۳۳۴ قانون مجازات، علیه آنها صادر می شود و حقوق انتخاباتی این افراد، تنها پس از بازگشت اعتبارشان بازگردانده می شوند.

۱-۳-۳. شروط اعمال حق رأی

۱-۳-۱. ثبت در فهرست های انتخاباتی

طبق ماده ۲۴ قانون انتخابات، «ثبت رأی دهندگان در فهرست های انتخاباتی، الزامی است و اسم کسی در بیش از یک فهرست، ثبت نمی شود.» بنابراین، با توجه به مفاد این ماده، شهروندان لبنانی که شرایط رأی دادن را دارند؛ برای این که بتوانند از حق خود استفاده کنند؛ باید اسم خود را در فهرست های انتخاباتی ثبت کنند.

۲-۳-۱. داشتن شناسنامه یا گذرنامه معتبر لبنانی

شهروندان لبنانی که شرایط رأی دادن را دارا هستند؛ چه در داخل کشور و چه در خارج، برای این که بتوانند رأی دهند؛ باید شناسنامه یا گذرنامه معتبر لبنانی در روز رأی گیری همراه داشته باشند، که این مسأله در مواد ۸۸ و ۱۱۰ قانون انتخابات، به خصوص ماده ۱۱۰ که می گوید: «رأی دهنده با همراه داشتن شناسنامه یا گذرنامه معتبر لبنانی، می تواند رأی دهد.» همچنین در دو بخشنامه ۲۲/۱ و ۱۴/۱^{۳۶} در سال ۲۰۰۹، به صراحت مورد تأکید قرار گرفته است.

۳. شرایط انتخابات شوندگان

در لبنان، حق نامزد شدن همه شهروندان با محدودیت های مورد پذیرش قرار گرفته است که در این زمینه می توان

^{۳۲}. همان.

^{۳۳}. ماده ۶، همان.

^{۳۴}. در مصر و کویت نظامیان از رأی دادن محروم هستند.

^{۳۵}. شکر، همان، ص ۴۵۵.

^{۳۶}. تعمیم □ رقم ۱۴/۱ حول تسريع إنجاز إستمارات بطاقات الهوية.

<http://www.elections.gov.lb/Parliamentar>

به بعضی از اصول قانون اساسی و مواد قانون انتخابات اشاره کرد. قانون اساسی به صراحت حق نامزد شدن را مطرح نکرده است؛ ولی می‌توان آن را از اصل ۷ قانون اساسی که همه شهروندان لبنانی را در برابر قانون یکسان می‌داند، استنتاج کرد. قانون انتخابات سال ۲۰۰۸ در اصل ۷، مبدأ عمومی نامزد شدن را مطرح می‌کند: «هر مرد و زن لبنانی که به سن ۲۵ سالگی برسد، می‌تواند نامزد شود». با توجه به این اصل و جمله نامزد شدن برای انتخابات که یک حق مدنی و سیاسی است، قانونگذار موظف است آن را به صورت مضیق تفسیر کند،^{۳۷} و شرایط غیرمنطقی و غیرعقلانی برای نامزد شدن، اعلام نکند.

همچنین، در مواد ۸، ۹ و ۱۰، شرایطی که شهروندان لبنانی باید حائز آن باشند تا بتوانند رأی دهند را مطرح می‌کند، که در مجموع، این معیارها و موازین مطرح شده در قانون انتخابات، شفاف بوده و با معیارهای بین‌المللی به صورت عام مطابق است. بنابراین، طبق قانون انتخابات، نامزدها باید دستکم ۲۵ سال سن — بدون این که حداکثر آن مشخص شود — دارای تابعیت اصلی یا سپری شدن دستکم ۱۰ سال از کسب تابعیت، باسواد بودن (توانایی خواندن و نوشتن)، ثبت اسامی‌شان در فهرست‌های انتخاباتی^{۳۸} و بهرمنند از حقوق مدنی سیاسی باشند.

۳-۱. محروم شدگان موقت از نامزدی

طبق قانون انتخابات ۲۰۰۸ اشخاص زیر نمی‌توانند تا زمانی که از خدمت استعفاء نداده باشند به نمایندگی مجلس انتخاب شوند. اما، استثنائاً نمایندگی مجلس و وزارت مانع‌الجمع نیستند که این موضوع از ماده ۱۰۲ قانون انتخابات، استنتاج می‌شود:

الف) نظامیان

به دلیل جلوگیری از دخالت سیاسی در ارتش و نیروهای نظامی و تاثیرات منفی آن بر سیستم نظامی بعضی از کشورهای امریکای لاتین^{۳۹} و کشورهایمانند کویت، مصر و ترکیه، نظامیان را از نامزد شدن برای انتخابات محروم کردند. قانونگذار لبنانی نیز به دلیل ضرورت انضباط نظامی و تمایل به عدم سیاسی کردن ارتش و جلوگیری از فشار نظامیان بر رأی‌دهندگان، نظامیان را از نامزد شدن به صورت موقت محروم کرد.^{۴۰} و در ماده ۹ قانون انتخابات، شرایط نامزد شدن نظامیان را به این شرح ذکر می‌کند:

نظامیان و کسانی که در حکم نظامی هستند، با هر درجه، نمی‌توانند به عنوان نماینده مجلس انتخاب شوند، خواه در ارتش یا از نیروهای امنیت ملی، امنیت عمومی، امنیت دولت و ضابط گمرک باشند. البته، این افراد اگر بازنشسته شوند و یا استعفايشان شش ماه قبل از تاریخ انتخابات مورد پذیرش قرار گیرد، می‌توانند به عنوان نامزد در انتخابات، شرکت کنند».

ب) کارکنان

طبق ماده ۱۰ قانون انتخابات، اشخاص زیر نمی‌توانند زمانی که مشغول انجام وظیفه یا مأموریت هستند و خلال مهلت‌های که بعد از پایان خدمت‌شان یا قبولی استعفايشان داده می‌شود، نامزد شوند:

^{۳۷}. نعمة اسماعیل، عصام، النظم الانتخابية «دراسة حول العلاقة بين النظام السياسي والنظام الانتخابي»، منشورات زين الحقوقية، الطبعة الثانية، ۲۰۰۹، ص ۵۱.

^{۳۸}. بر خلاف رأی‌دهندگان که باید در همان محلی که نام‌شان در فهرست‌ها ثبت شده است، رأی‌دهندگان نامزدها می‌توانند در هر حوزه‌ای اعلام نامزدی کنند؛ خواه اسم‌شان در فهرست آن حوزه ثبت شده باشد، خواه ثبت نشده باشد.

^{۳۹}. بدرالدین، غسان و علی عواضة، المؤسسات السياسية والقانون الدستوري، الطبعة الثانية، ۲۰۰۲، ص ۱۵۳.

^{۴۰}. سعيفان، احمد، الانظمة السياسية والمبادئ الدستورية العامة، منشورات الحلبي الحقوقية، الطبعة الاولى، ۲۰۰۸، ص ۲۶۴.

۱. قضات: قضات در همه درجات و طبقات (قضات دادگستری، اداری، مالیاتی، شرعی و مذهبی) مگر این که بر اساس احکام قضات دادگستری، استعفای شان را ارائه دهند و عملاً از خدمت شان جدا شوند؛ به موجب ماده ۵۰ نظام قضات دادگستری ها، صادره به موجب مصوبه قانونی شماره ۱۵۰ در ۱۶ ایلول / سپتامبر ۱۹۸۳ باید دستکم یک سال قبل از دوره نمایندگی مجلس، استعفاء دهند.^{۴۱}

۲. کارکنان طبقه اول و دوم: مگر این که دستکم شش ماه قبل از پایان دوره نمایندگی مجلس، استعفای شان را ارائه دهند و عملاً از خدمت جدا شوند.

۳. رؤسا و اعضای شوراهای اداری در مؤسسات عمومی و هیئت های عمومی و شرکت های اقتصادی مختلط و شرکت های دارای سرمایه عمومی و مؤسسات حقوق عمومی و مدیران عمومی شان؛ مگر این که شش ماه قبل از پایان دوره مجلس استعفای شان را تقدیم و عملاً از مأموریت شان جدا شوند.

۴. رؤساء و نمایندگان شوراهای شهر در مرکز استان ها و مراکز شهرستان ها و رؤسای اتحادیه های شهرداری ها؛ مگر این که طبق قانون شهرداری ها، دو سال قبل از پایان دوره مجلس و رؤساء و معاونین رؤسای دیگر شهرداری ها، شش ماه قبل از پایان دوره مجلس، استعفای شان را تقدیم و عملاً از خدمت جدا شوند.

ذکر چند نکته در مورد ماده گفته شده لازم است:

نخست؛ طبق بند سه همین ماده، اعضای هیئت علمی قراردادی و تمام وقت دانشگاه های لبنان از احکام این ماده، مستثنی هستند. اعضای هیئت علمی، بدون این که نیاز به استعفاء داشته باشند، در زمان اشتغال به کار می توانند نامزد انتخابات شوند.

دوم؛ همان طور که در ماده ۱۰ قانون انتخابات مقرر شده است، اشخاص ذکر شده در این ماده باید در مدت مشخص از مقام شان استعفاء دهند تا بتوانند نامزد انتخاباتی شوند. اما ماده ۴۵ که در مورد انتخابات میان دوره ای مجلس است، استثنایی بر ماده ۱۰ و زمان مشخص شده برای استعفاء شمرده می شود؛ به این شرح که: «هنگامی که یکی از کرسی های مجلس به دلیل وفات یا استعفاء یا ابطال نمایندگی یا هر دلیل دیگر خالی شود، برگزاری انتخابات برای پر کردن کرسی خالی در فاصله زمانی دو ماه از تاریخ خالی شدن کرسی صورت می گیرد، که این تاریخ مقارن است با تاریخ وفات یا تاریخ انتشار تصمیم شورای قانون اساسی که حکم به ابطال نمایندگی در روزنامه رسمی می کند یا تاریخ استعفاء می باشد. بنابراین، در صورتی که ۶ ماه به پایان دوره مجلس باشد، انتخاب جانشین نماینده برگزار نمی شود». طبق ماده ۴۵، اشخاص ذکر شده در دو ماده ۹ و ۱۰ می توانند برخلاف احکام این دو ماده (۹ و ۱۰) استعفاء دهند و در فاصله زمانی ۱۵ روز از تاریخ صدور مصوبه، دعوت از هیئت رأی دهندگان نامزد شوند.

دلیل مقرر کردن ماده ۴۵ را می توان در تفاوتی که این ماده با مواد ۹ و ۱۰ دارد، دانست. مواد ۹ و ۱۰ برای شرایط عادی و هنگامی که انتخابات در زمان مشخص شده برگزار می شود مقرر شده است؛ ولی ماده ۴۵ برای شرایط غیر عادی وضع شده است.^{۴۲} از طرفی از آن جا که باید انتخابات میان دوره ای برای پر کردن کرسی خالی در مدت زمانی دو ماهه برگزار شود و از آن جا که این زمان با توجه به ماده ۱۰ کافی نیست، قانونگذار مدت زمان ارائه استعفاء و نامزد شدن برای انتخابات میان دوره ای را پانزده روز، یعنی استثنای بر ماده ۱۰ قرار داده است.

سوم؛ چنان که در بند اول ذکر کردیم، اشخاص ماده ۱۰ در صورتی که به دلیل نامزد شدن استعفاء دهند و عملاً از خدمت جدا شوند، حکم استعفایشان از تاریخ ارائه آن، مورد پذیرش وزارت کشور است. اما برخلاف اشخاص

^{۴۱} قانون القضاء العدلی ۱۶ ایلول / سپتامبر ۱۹۸۳ www.lp.gov.lb

^{۴۲} سعیفان، همان، ص ۲۶۵.

گفته شده، نظامیان در صورتی می توانند درخواست نامزدی دهند که استعفای شان مورد قبول مقامات مسئول قرار گیرد.

۲-۳. اقدامات داوطلبی

بعد از این که هیئت های انتخاباتی (رأی دهندگان) برای انتخابات دعوت شدند، شهروندانی که شرایط لازم در موارد ۷ و ۸ را دارند و موقعیت شان در تقابل با کارمند بودن، نظامی بودن و دیگر موانع مطرح شده در مواد ۹ و ۱۰ نباشد، می توانند درخواست نامزد شدن بدهند. زمان درخواست نامزدی از تاریخ صدور بخشنامه دعوت هیئت انتخاب کنندگان تا ۶۰ روز قبل از زمان مشخص شده برای انتخابات است.^{۴۳} طبق ماده ۴۹، نام نویسی برای نامزد شدن ۶۰ روز قبل از زمان مشخص شده برای انتخابات پایان می یابد. بنابراین در صورتی که زمان مشخص شده برای درخواست نامزدی پایان یابد و کسی برای کرسی متعلق به آن حوزه نامزد نشود، با حکم رسمی مهلت نامزد شدن برای ۷ روز دیگر تمدید می شود.^{۴۴} برای این که درخواست نامزدی مورد پذیرش قرار گیرد، نامزدها موظف به رعایت و انجام مجموعه ای از اصول و اموری هستند که در مواد ۴۱ و ۴۷ قانون انتخابات به آن ها اشاره شده است. مطابق ماده ۴۷ کسی که می خواهد نامزد انتخابات شود، باید گواهی رسمی که توسط خود شخص امضاء شده و این امضاء به وسیله نویسنده دادگستری (دفتر ثبت) مورد تأیید قرار گرفته است، دستکم یک روز قبل از پایان نام نویسی به وزارت کشور تحویل دهد. علاوه بر این گواهی، نامزدها باید رسید مالی از صندوق مالی که اثبات کند معادل دو میلیون لیره لبنان و تأمین انتخاباتی معادل شش میلیون لیره لبنانی به ودیعه گذاشته اند را به وزارت کشور تحویل دهند.

یکی از نکات قابل توجه راجع به ماده پیش گفته این است که تأیید نویسنده دادگستری (دفتر ثبت) نشانه درستی و صحت امضای امضاء کننده است، که این مسأله باعث از بین رفتن اختلاف در مورد شخص امضاء کننده می شود. به ودیعه سپردن مبلغ مشخص شده با وجود کم بودن آن، مانع از نامزد شدن افراد غیر جدی برای نامزد شدن می شود. همچنین، طبق ماده ۵۱، تقاضانامه که از یک نامزد و در یک تاریخ در بیش از یک حوزه ارائه شود، باطل است. اما، اگر این تقاضانامه دارای تاریخ های متعدد باشند، تنها تقاضانامه متأخر معتبر بوده و دیگر تقاضانامه ها باطل است. سپس وزارت، این تقاضانامه ها را در مدت پنج روز از تاریخ دریافت، مورد بررسی قرار می دهد. در صورتی که نتیجه این بررسی قبول نامزدی باشد، رسید نهایی با ثبت تقاضانامه نامزد شدن به نامزد تحویل داده می شود. اما، در صورتی که نتیجه این بررسی رد نامزدی باشد، دلایل این رد به نامزد اعلام می شود. همچنین، در صورتی که بعد از پنج روز، وزارت تصمیم خود را در مورد این تقاضانامه ها اعلام نکند، این عمل به معنای قبول درخواست نامزدی بوده و وزارت، موظف به ارائه رسید نهایی به نامزد است. بنابراین، در صورتی که وزارت بعد از بررسی تقاضانامه و مدارک، آن ها را رد کرد، باید دلیل این رد را به نامزد اعلام کند که نامزد می تواند ظرف پنج روز از تاریخ ابلاغ تصمیم رد تقاضانامه، به شورای دولتی با دادخواستی ساده و بدون تشریفات مراجعه کند. شورا نیز باید اعتراض نامزد را در مدت ۳ روز از تاریخ دریافت مورد بررسی قرار دهد و نتیجه را به نامزد اعلام کند. رأی شورا در مورد این اعتراض قطعی می باشد و مورد بررسی مجدد قرار نخواهد گرفت.^{۴۵}

در صورتی که نامزدها در انصراف دهند، مستحق دریافت نیمی از مبلغ تأمین که به ودیعه گذاشته بودند، هستند. اگر این انصراف، باعث کم شدن تعداد لازم نامزدها برای کسب کرسی ها در یک حوزه انتخابیه شود، می توان

^{۴۳}. مواد ۴۶-۴۹، قانون انتخابات، ۲۰۰۸ مجلس نمایندگان.

^{۴۴}. ماده ۵۰، همان.

^{۴۵}. بند ۴-۵-۶ ماده ۴۹، همان.

درخواست‌های جدید نامزدی را در این حوزه، ضمن مهلت هفت روز از تاریخ این انصراف، قبول کرد.

۴. فهرست‌های انتخاباتی

یکی از تضمین‌های مهم و اساسی برای یک انتخابات، تهیه فهرست‌های انتخاباتی برای ثبت اسامی رأی‌دهندگان است که شرایط لازم برای ثبت در این فهرست‌ها را دارند. بنابراین، باید نهایت دقت در تهیه این فهرست‌ها به عمل آید تا اسامی اشخاصی که شرایط لازم و مشخص شده در قوانین به خصوص قانون انتخابات را ندارند، ثبت نشوند. امروزه، اکثر کشورها از فهرست‌های انتخاباتی در انتخابات استفاده می‌کنند تا سلامت هر چه بیشتر انتخابات را تضمین نمایند.^{۴۶} یکی از نکات مثبت که وارد قانون انتخابات ۲۰۰۸ شد، ایجاد فهرست‌های انتخاباتی دائمی است که به صورت دوره‌ای مورد بازنگری قرار می‌گیرند. این فهرست‌ها در برگیرنده همه مردان و زنان لبنانی واجد شرایط در هر حوزه انتخاباتی است که باید دستکم یک سال از تاریخ بازنگری در فهرست‌های انتخاباتی، یعنی؛ پنج‌شنبه قانون اول/ دسامبر هر سال نامشان بر اساس ثبت احوال شخصیه در آن حوزه، ثبت شده باشد. بنابراین، رأی‌دهندگان بدون ثبت اسامی‌شان در این فهرست‌ها، نمی‌توانند از حق انتخاب که قانون برای آن‌ها به رسمیت شناخته است، استفاده کنند. در ماده ۲۴ قانون انتخابات به این موضوع اشاره می‌شود: «ثبت در فهرست‌های انتخاباتی الزامی است و کسی در بیش از یک فهرست اسمش ثبت نمی‌شود». البته، الزامی بودن ثبت در فهرست‌های انتخاباتی به این معنی نیست که شهروندان واجد شرایط باید در حوزه رأی‌گیری حضور یافته و رأی دهند؛ بلکه این عمل تنها به منظور اطلاع دولت از تعداد افراد واجد شرایط رأی‌دادن است تا بدین وسیله اقدامات لازم و مناسب را اتخاذ کند و پاکت‌های رأی را به تعداد رأی‌دهندگان تهیه کند. فهرست‌های انتخاباتی در لبنان از حیث شکل باید این امور را رعایت کنند:

۱. بر اساس وابستگی طایفه‌ای؛

۲. بر اساس اسم، شهرت مادر، روز، ماه و سال تولد.^{۴۷} همچنین، فهرست‌های انتخاباتی نسبت به مردان و زنان بر اساس وابستگی طایفه‌ای در یکی از مجموعه‌های زیر قرار می‌گیرد:

الف) طوایف مسیحی: مارونی - روم ارتدکس - روم کاتولیک - ارمن ارتدکس - ارمن کاتولیک - سریانی ارتدکس - سریانی کاتولیک - آشوری ارتدکس - کلدانی - لاتینی - قبطی - انجیلی (پروتستان)؛

ب) طوایف اسلامی: سنی - شیعه (جعفری) - علوی - اسماعیلی - دروزی؛

ج) طایفه اسرائیلی (یهودی)

زنان متأهلی که طایفه خود را مشخص نکرده باشند، در گروهی قرار می‌گیرند که همسرشان در آن قرار گرفته است. اما، مردانی که طایفه یا مذهب‌شان را مشخص نکرده باشند، برای آن‌ها فهرست‌هایی تحت عنوان «فهرست‌های مختلف»، تخصیص داده می‌شود.

اداره کل ثبت احوال، برای هر حوزه انتخاباتی، فهرست انتخاباتی را بر اساس احوال شخصیه، ثبت شده در حوزه،^{۴۸} که مدت ثبت احوال شخصیه‌شان در آن حوزه، دستکم یک سال از تاریخ تجدید نظر در فهرست‌های انتخاباتی باشد،

^{۴۶} کشورها، اصولاً در تهیه فهرست‌های انتخاباتی یکی از سه روش: فهرست‌های دوره‌ای، ثبت دائمی و دفتر ثبت احوال شخصیه را مورد استفاده قرار می‌دهند.

^{۴۷} تعمیم □ رقم ۱۳/۱: کیفیت تنظیم القوائم الانتخابية □ ۲۰۰۸/۱۱/۱۸

^{۴۸} کشورهای اروپایی و آمریکای لاتین فهرست‌های انتخاباتی را بر اساس ثبت احوال شخصیه تهیه می‌کنند: برنامه الأمم المتحدة الانمائی (UNDP)، اداره الحكم فی الدول العربیة، مشروع ادارة الانتخابات و کلفتها

تهیه می‌کند.^{۴۹} قید ساکن بودن در یک حوزه، در مدت یک سال قبل از تاریخ تجدید نظر در این فهرست‌ها برای جلوگیری از جابجایی رأی‌دهندگان از یک حوزه به حوزه انتخاباتی دیگر، برای رأی دادن به نامزد مورد نظرشان و در نتیجه تأثیر بر نتایج رأی‌گیری است.

انتشار فهرست‌های انتخاباتی در واقع به سلامت انتخابات کمک شایانی می‌کند؛ چرا که با انتشار آن‌ها احزاب و گروه‌های مدنی و اشخاص حقیقی از محتوای آن‌ها آگاه می‌شوند، به این ترتیب اگر شخصی حق رأی دادن نداشته باشد، ولی اسمش در فهرست باشد و بالعکس، می‌تواند به این فهرست‌ها اعتراض کند.

اعتراض به فهرست‌ها حقی است که برای همه شهروندان لبنانی چه آنان که اسمشان در فهرست‌ها ثبت شده باشد و چه آنان که ثبت نشده باشد، به رسمیت شناخته شده است. بنابراین، شهروندان می‌توانند از ابتدای انتشار فهرست‌ها و اعلان آن‌ها تا پایان مهلت داده شده. یعنی قبل از ۱۰ شباط تا ۱۰ آذار/ مارس هر سال نسبت به فهرست‌ها اعتراض و تقاضای اصلاح کنند که اصلاح این کار باعث ایجاد یک مشارکت حقیقی بین شهروند و دولت می‌شود و در نتیجه شفافیت و همکاری مستمر بین آن‌ها ایجاد می‌شود.^{۵۰} که طبق قانون انتخابات این حق به وسیله سه گروه اعمال می‌شود:

۱. هر شخص ذی‌نفع؛

۲. هر رأی‌دهنده که نامش در یکی از فهرست‌های انتخاباتی ثبت شده است؛

۳. استانداران و فرمانداران و مختار ذی‌صلاح.

در پایان این قسمت لازم به ذکر است که قانون انتخابات ۲۰۰۸ دو کمیسیون ثبت‌نام و عالی پیش‌بینی کرده که دو وظیفه مهم نیز بر عهده آن‌ها گذاشته است:

۱. شمارش آراء و بررسی نتایج و مستندات ارائه‌شده از طرف هیئت حوزه رأی‌گیری و اعلام موقت نتایج؛

۲. رسیدگی به اعتراض‌های شهروندان و مسئولین که حق اعتراض نسبت به فهرست‌های انتخاباتی را دارند. ترکیب اعضای این دو کمیسیون به‌ویژه کمیسیون عالی، به‌صورتی است که توانسته اعتماد شهروندان لبنانی را به‌دست آورد؛ زیرا، هم از مقامات قضایی و هم از متخین مردم در شورای‌های شهرداری در این دو کمیسیون عضویت دارند. در نتیجه، از دولتی بودن محض خارج شده است، اگر چه نمایندگان دولت در آن عضویت دارند.

۴. نظام حقوقی تبلیغات و هزینه‌های انتخاباتی

۴-۱. رسانه‌ها و تبلیغات

اصل وجود رسانه‌های آزاد، مستقل و بی‌طرف تضمینی برای حقوق و آزادی‌های سیاسی و بهترین ساز و کار برای کنترل قدرت سیاسی است. امروزه، مطبوعات^{۵۱} را به‌عنوان یک وسیله ارتباط دسته‌جمعی رکن چهارم آزادی و دموکراسی می‌دانند.^{۵۲} بنابراین، مطبوعات در کنار تلویزیون و رادیو با توجه به نقشی که در اطلاع‌رسانی و رساندن اخبار واقعی و آگاهی‌بخشیدن به شهروندان دارند، جایگاه بسیار مهمی در فرآیند انتخابات ایفاء می‌کنند. در سایه وجود

^{۴۹}. ثبت رأی‌دهندگان در فهرست‌های انتخاباتی الزامی است و شهروندان هیچ حقی در ثبت یا عدم ثبت اسمشان در این فهرست‌ها ندارند. زیاد البکری، مجتمع مدنی: قانون الانتخابات النيابية اللبنانية

www.alsabaah.com/paper.php?source=akbar&mlf..

^{۵۰}. نشرة نصف شهرية، صادر عن وزارة الداخلية و البلديات، ۲۸/۲/۲۰۰۹، العدد رقم ۲ □

<http://www.elections.gov.lb/Parliamentary>

^{۵۱}. «در لبنان مطبوعات را به علت تأثیر شگرف و مهمی که در افکار عمومی دارند، می‌توان پس از قوه مقننه، مجریه و قضائیه، رکن چهارم تشکیلات مملکتی محسوب داشت». نادری سمیرمی، احمد، لبنان، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۶، ص ۴۸.

^{۵۲}. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۳، ص ۱۶۳

مطبوعات و رسانه‌های مستقل و آزاد است که مردم می‌توانند اطلاعات و آگاهی‌های لازم را جهت مشارکت فعال در انتخابات به‌دست آورند و سازوکاری مؤثر و کارآمد برای نظارت بر انتخابات توسط مردم و گروه‌ها و نهادها مدنی شکل می‌گیرد، به‌طوری که دولت را در وضعیتی شفاف و پاسخگو قرار می‌دهد.^{۵۳}

رسانه‌های صوتی — تصویری و چاپی در لبنان متنوع و اصل ۱۳ قانون اساسی آزادی آن‌ها را در زمینه پخش و نشر تضمین نموده است؛ به این شرح که «آزادی ابراز اندیشه از طریق سخن و قلم، مطبوعات... در محدوده مقرر در قانون اساسی تضمین شده است». بنابراین، رسانه‌ها می‌توانند در فرآیند انتخابات حضوری فعال و مؤثر داشته باشند. قانون انتخابات، حضور فعال رسانه‌ها در فرایند انتخابات و فعالیت تبلیغاتی‌شان را در طول مبارزات انتخاباتی به رسمیت شناخته است. مبارزاتی که در زمینه شناساندن نقطه نظرات و دیدگاه‌های نامزدها با احترام به اختلاف این نقطه‌نظرها و دیدگاه‌ها، مدرسه حقیقی برای آموزش دموکراسی را تشکیل می‌دهند. چرا که دموکراسی فقط جمع اختلاف‌ها نیست؛ بلکه، تضمین حق در این اختلاف‌هاست.^{۵۴} بنابراین، رسانه‌ها می‌توانند نقش‌هایی به این شرح ایفا کنند:

۱. تشویق شهروندان به مشارکت فعال در انتخابات؛

۲. آگاهی دادن به افکار عمومی؛

۳. انتقال رقابت بین نامزدها و فهرست‌ها از شکل سنتی و منطقه‌ای به سطح سیاسی و ملی؛

۴. رساندن اخبار به رأی‌دهندگان و حوزه‌ها؛

۵. فراهم کردن زمینه نظارت بر انتخابات برای ناظران.^{۵۵}

قانون انتخابات ۲۰۰۸ همه رسانه‌ها، تبلیغات و آگاهی‌های انتخاباتی یعنی هر وسیله رسانه‌ای مورد استفاده در مبارزات انتخاباتی را شامل می‌شود، بدون این که رسانه‌های چاپی غیرسیاسی را مستثنی کند. در ماده ۱۰ قانون انتخابات ۱۹۹۲ و ماده ۶۸ قانون انتخابات ۲۰۰۰ مفادی وجود داشت که رسانه‌های صوتی و تصویری و نیز رسانه‌های چاپی غیرسیاسی از اقدام به پخش تبلیغات انتخاباتی سیاسی در خلال مبارزات انتخاباتی از تاریخ دعوت هیئت‌های انتخاباتی تا زمان اعلان نتایج نهایی، ممنوع می‌شدند.^{۵۶} بنابراین، همه رسانه‌های صوتی و تصویری و چاپی داخلی و خارجی^{۵۷} با رعایت ضوابط و شرایطی که این قانون مشخص کرده مجاز به شرکت در مبارزات انتخاباتی هستند و هر فهرست یا نامزدی می‌تواند با استفاده از این وسایل رسانه‌ای به فعالیت‌های مختلف قانونی برای تشریح برنامه‌های انتخاباتی خود در صورتی که مخالف قوانین و مقررات نباشد، بپردازد. احکام قانون انتخابات که بر این رسانه‌ها برای پوشش انتخابات در طول دوره مبارزات انتخاباتی حاکم است، عموماً مناسب هستند و سعی در ایجاد توازن و شرایط برابر برای نامزدها و

^{۵۳}. خسروی، پیشین، ص ۱۷۹.

^{۵۴}. زین‌الدین، محمد؛ أسس العملية الانتخابية.

http://www.saudielection.com/ar/article_body.ph d

^{۵۵}. العزی، خالد؛ الاعلام و الانتخابات فی لبنان.

<http://alhakaek.com/news.php?action=view&id=7234>

^{۵۶}. با توجه به رأی دادگاه مطبوعات در قضیه ال. M.T.V تبلیغات سیاسی را می‌توان چنین تعریف کرد: «تبلیغاتی که هدف آن ترویج عملیات انتخابات به منظور ترویج نظر سیاسی مشخص یا ایجاد آثار مشخص در رای دهنده و سیر او به سوی هدفی مشخص دارد». عادل بطرس، الاعلام و الاعلان و الدعاية فی الانتخابات

http://ucipliban.org/arabic/index.php?option=com_content&task=view&id=11822&Itemid=335

^{۵۷}. شبکه‌های ماهواره‌ای غیرلبنانی به شرطی که در لبنان دفتر نمایندگی داشته باشند، مجاز به شرکت در مبارزات انتخاباتی هستند و تمام ضوابط و مقرراتی که حاکم بر رسانه‌های داخلی در زمینه مبارزات انتخاباتی هست، بر این شبکه‌ها نیز حاکم است. (اعلان إلى جميع وسائل الإعلام الفضائية غیر اللبنانية التي تعتمد مكاتب تمثيل لها فی لبنان بشأن تقديم طلبات للمشاركة فی الدعاية والاعلان الانتخابيين ۲۰۰۹/۲/۱۱)

<http://www.elections.gov.lb/Parliamentar>

فهرست‌ها دارند؛ اگر چه بعضی از این احکام دارای ابهامات و نقاط ضعفی هستند که در طول بحث به این موارد، اشاره خواهد شد.

۱-۱-۴. شروط مجاز تبلیغات و آگهی‌های انتخاباتی^{۵۸}

تبلیغات و آگهی‌های انتخاباتی در رسانه‌های دولتی و خصوصی (صوتی، تصویری و چاپی)، بر اساس این احکام صورت می‌گیرد:

الف) رسانه‌هایی دولتی و خصوصی که مایل به مشارکت در تبلیغات یا آگهی‌های انتخاباتی هستند، باید حداقل ۱۰ روز مانده به آغاز مبارزات انتخاباتی، تقاضانامه‌ای که تمایل‌شان را به شرکت در انتخابات نشان می‌دهد، همراه با فهرست قیمت‌ها و زمینه‌هایی که مایل به تبلیغات و آگهی‌های انتخاباتی در آن هستند را به هیئت ارائه دهند. رسانه‌هایی که ضمن زمان مشخص شده تقاضانامه‌شان را ارائه نکردند، از انجام هر نوع فعالیت تبلیغاتی یا آگهی تبلیغاتی در زمان مبارزات انتخاباتی ممنوع می‌باشند.

ج) رسانه‌های تصویری و صوتی باید به صراحت حدود پخش آگهی‌های انتخاباتی را توضیح دهند و طرفی که درخواست پخش آن را می‌نماید مشخص کند. این الزام برای نظارت بر هزینه‌ها و مشخص کردن مسئولیت‌هاست. این بند، به رسانه‌های چاپی اشاره نمی‌کند و الزامی برای آن‌ها در این زمینه قائل نمی‌شود که این را می‌توان نقطه ضعف این بند دانست، و بهتر است که این بند همه رسانه‌ها را شامل شود.

د) رسانه‌ها از پذیرش آگهی‌های مجانی یا نرخ‌ی متفاوت از آنچه در فهرست قیمت‌ها آمده است، ممنوع هستند. هـ) نامزد یا نماینده قانونی‌اش باید نسخه‌ای از عکس‌ها و نوارهای تبلیغات و آگهی‌های انتخاباتی را همراه با درخواست رزرو کتبی به هیئت و مؤسسه‌های رسانه‌ای برای پخش حداقل سه روز قبل از اولین زمان مشخص شده برای پخش، تحویل دهد.

و) گزارش هفتگی که متضمن فهرست تبلیغات و آگهی‌های انتخاباتی که در خلال هفته گذشته پخش شده، همراه با زمان پخش و قیمت‌های دریافتی به هیئت ارائه شود.

ز) هیچ کدام از نامزدها نباید بیش از ۵۰٪ کل تبلیغات و آگهی‌های‌شان را به یکی از مؤسسات رسانه‌ای مانند ایستگاه رادیویی، شبکه تلویزیونی یا رسانه چاپی اختصاص دهند.

ح) رسانه‌های تصویری و صوتی و چاپی که خواهان مشارکت در پوشش دادن عملیات رأی‌گیری و شمارش هستند، باید از هیئت گواهی‌های کتبی بر اساس احکام این قانون دریافت کنند.

۱-۲-۴. تعهدات رسانه‌ها و نامزدها

تعهدات به هنگام پوشش مواد رسانه‌ای، تبلیغاتی و آگهی‌ها

قانون انتخابات، رسانه‌ها را به صورتی که در زیر می‌آید، ملزم به فراهم کردن فرصت برای نامزدها و تلاش برای ایجاد انگیزه رأی‌دادن در شهروندان کرده است.

۱. رسانه‌های دولتی ملزم به بی‌طرفی در همه مراحل انتخابات هستند. همچنین، باید از انجام هر نوع فعالیت‌هایی که امکان تفسیر آن به‌عنوان پشتیبانی از نامزد یا فهرستی به هزینه نامزد یا فهرست دیگر وجود دارد، خودداری کنند. اگر چه قانون انتخابات رسانه‌ها را متعهد به بی‌طرفی کرده، ولی در عمل و در جریان انتخابات ۲۰۰۹ رسانه‌ها در تبلیغات خود

^{۵۸}. ماده ۶۶، همان.

بی طرفی را رعایت نکرده اند.^{۵۹}

۲. رسانه‌ها موظف به احترام به آزادی بیان دیدگاه‌ها و جریان‌های فکری مختلف در برنامه‌های صوتی و تصویری^{۶۰} به هنگام مبارزات انتخاباتی هستند، به صورتی که عدالت و توازن و بی طرفی در رفتار بین نامزدها و بین فهرست‌ها تأمین شود.^{۶۱} این اصل، در قوانین پخش به شماره ۹۴/۳۵۳ و ۳۸۲/۹۴ مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین بنا بر بند دو ماده ۶۸ همه برنامه‌های رسانه‌ای انتخاباتی و برنامه‌های خبری — سیاسی و عمومی و برنامه‌های مناظره سیاسی، مصاحبه‌ها، تحقیقات، جلسات، گفتگوها، میزگردها و انتقال مستقیم فستیوال‌های انتخاباتی تابع بند یک ماده ۶۸ هستند.

۳. طبق بند ۳ ماده ۶۸ قانون انتخابات ۲۰۰۸ رسانه‌های صوتی و تصویری خصوصی به منظور حفظ اصل استقلال (عدم وابستگی) مجاز به اعلان حمایت و تشویق به نفع نامزد یا فهرستی نیستند. این بند، در زمینه عدم اعلان حمایت از نامزد یا فهرستی تا حدود زیادی دور از واقعیت است؛ چرا که با توجه به گزارش دوم هیئت ناظر بر انتخابات، رسانه‌ها در پوشش انتخاباتی خود، این اصل را رعایت نکرده‌اند و با توجه به مدت زمانی که به حمایت از فهرست‌ها پرداختند، می‌توان این نقض قانون را مشاهده کرد.^{۶۲}

ب: تعهدات رسانه‌ها و فهرست‌ها و نامزدها در زمان مبارزات انتخاباتی

۱. خودداری از هتاک، ناسزا، بدگویی و توهین نسبت به فهرست‌ها و نامزدها.
۲. خودداری از پخش هر چیزی که جنجال‌های طایفه‌ای، مذهبی و نژادی را برانگیزد یا تحریک‌کننده اعمال خشونت‌آمیز و آشوب باشد یا از ایجاد وحشت، جنایت یا کارهای خرابکارانه حمایت نماید.
۳. خودداری از پخش هر چیزی که در برگیرنده ابزارهای فشار، ارباب، بی‌اعتمادی (بدگمانی)، اغفال‌کننده، اشاره فریبنده یا وعده به منفعت مادی یا معنوی باشد.
۴. خودداری از تحریف، منع، جعل، حذف و ارائه نادرست اطلاعات.
۵. رسانه‌های صوتی و تصویری در زمان مبارزات انتخاباتی باید حداقل سه ساعت در هفته برای پخش برنامه‌های آموزشی انتخاباتی که به وسیله دو وزارت رسانه‌ها و کشور و شهرداری‌ها و با همکاری رسانه‌های ذی‌صلاح تهیه می‌شود، اختصاص دهند.^{۶۳} بهتر بود که در این بند، رسانه‌های چاپی را نیز برای چاپ برنامه‌های آموزشی ملزم می‌کرد و این تکلیف را بر عهده این دو وزارت می‌گذاشت که از طریق این رسانه هم برنامه‌های آموزشی خود را دنبال کنند.
۶. خودداری از پخش نظرسنجی‌های انتخاباتی یا گزارش‌های مرتبط به نتایج انتخابات.^{۶۴}
۷. هیچ نامزد یا فهرستی نمی‌تواند از حق خود در زمینه استفاده از اماکن مشخص شده برای آگهی‌های انتخاباتی شان

^{۵۹}. George Sadaka and ali rammal, "A satudy of the media coverage of the parliamentary elections in Lebanon", Maharat Foundation in collaboration of International media Support, p. 44.

^{۶۰}. با توجه به ماده ۲۰۹ قانون مجازات و تعریفی که از وسایل نشر ارائه می‌دهد رسانه‌های چاپی نیز مشمول ماده ۶۸ می‌شوند «وسایل نشر شامل هر نوع وسیله چاپی نقاشی‌ها، عکس دستی و گرافیکی، فیلم، علائم و نشانه‌ها و تصاویر است هنگامی که در معرض دید عموم قرار می‌گیرند یا بین افراد توزیع شوند». "تقریر هیئت الاشراف علی الحملة الانتخابات النيابية، ۲۰۰۹

<http://www.elections.gov.lb/Parliamentary>

^{۶۱} بند ۱ ماده ۶۸، همان

^{۶۲} برای آگاهی بیشتر به گزارش دوم هیئت ناظر بر مبارزات انتخاباتی مراجعه کنید. تقریر عن التغطية والمخالفات للمادة ۶۸ من قانون الانتخابات النيابية رقم ۲۰۰۸/۲۵، هیئت الاشراف علی الحملة الانتخابية. تقریر رقم (۲).

^{۶۳} ماده ۶۹، همان.

^{۶۴} تعمیم صادر عن وزير الداخلية و البلديات یذكر فيه بتحظیر نشر أو بث أو توزيع استطلاعات الرأی قبل عشرة أيام من يوم الانتخاب وفقاً للقانون:

<http://www.elections.gov.lb/Parliamentary>

به نفع نامزد یا فهرستی دیگر، چشم‌پوشی کند.

۸. علاوه بر تعهداتی که برای رسانه‌ها و نامزدها در نظر گرفته شده است، کارکنان دولت و مؤسسات عمومی و شهرداری‌ها و اتحادیه‌های شهرداری‌ها مجاز به اعمال نفوذ به نفع نامزد یا فهرستی نیستند.

۳-۱-۴. نصب و پخش آگهی‌ها در راه‌ها و اماکن عمومی

طبق ماده ۷۰ قانون انتخابات مجلس، مقام محلی صلاحیت‌دار با نظارت مقام اداری در هر شهر و روستا مکان‌های مشخصی را برای آویزان کردن یا چسباندن پوسترها و عکس‌های انتخاباتی در زمان مبارزات انتخاباتی تعیین می‌کند. بنابراین، نامزدها و فهرست‌ها نمی‌توانند خارج از مکان‌های مشخص شده اقدامی به نفع خود یا دیگر نامزدها انجام دهند. تقسیم و توزیع این اماکن بین نامزدها و فهرست‌ها بر حسب زمان درخواست‌های نامزدی و اعلان فهرست‌ها، بر عهده مقام محلی صلاحیت می‌باشد. مقامات محلی و شرکت‌های استفاده‌کننده از این اماکن به خاطر حسن اجرای احکام این ماده با هیئت ناظر بر مبارزات انتخاباتی همکاری می‌کنند. همچنین ۲۴ ساعت قبل روز رأی‌گیری تا زمان بسته شدن صندوق‌های رأی، همه رسانه‌ها از پخش هر نوع آگهی یا تبلیغات یا فراخوانی انتخاباتی زنده ممنوع می‌باشند.

۲-۴. هزینه‌های انتخاباتی

فلسفه تنظیم هزینه‌های انتخاباتی بر پایه تعیین حداکثر، یعنی تعیین سقف برای هزینه‌هاست، تا بدین وسیله نامزدهای دارای امکانات بسیار از هزینه کردن بیش از این حد منع شوند و در واقع نقش سرمایه مالی در عملیات انتخابات کم‌رنگ شود.^{۶۵} چیزی که امروز مورد توجه اکثر کشورها قرار گرفته و نامزدها و احزاب را ملزم به رعایت سقف هزینه‌های انتخاباتی کرده‌اند.

قانون انتخابات لبنان در فصل پنجم، ضوابط مشخصی را برای وجه و هزینه‌های انتخاباتی در نظر گرفته و نامزدها و فهرست‌ها را مکلف به پیروی این ضوابط از زمان ارائه درخواست نامزدی تا بسته شدن صندوق می‌کند. این مسأله برای نخستین بار است که ضوابط هزینه‌های انتخاباتی به صورت منظم و دقیق وارد قانون انتخابات لبنان شده است.^{۶۶}

۱-۲-۴. حساب مبارزه انتخاباتی

همه نامزدها ملزم به افتتاح حساب به نام «حساب مبارزه انتخاباتی» نزد بانک کارگر در لبنان می‌باشند و باید گواهی بانک کارگر را که حاکی از افتتاح حساب مبارزه انتخاباتی است به هیئت ناظر تحویل دهند که دریافت کمک‌ها و پرداخت همه هزینه‌ها^{۶۷} در طول مبارزات انتخاباتی منحصراً از طریق این حساب صورت می‌گیرد. این حساب نزد بانک سری به حساب نمی‌آید و حق نامزد، به مجرد افتتاح حساب در مورد سری نگه داشتن حساب ساقط می‌شود.^{۶۸} البته سری نگهداشتن حساب مبارزه انتخاباتی نسبت به گروه‌های مذهبی و دیگر اشخاص و سازمان‌ها اعمال می‌شود و صرفاً نسبت به هیئت ناظر بر مبارزات انتخاباتی قابل اعمال نیست.^{۶۹}

^{۶۵} تنظیم الاتفاق الانتخابی <http://www.ladeleb.org/Publications/depense.pdf>

^{۶۶} نعمه اسماعیل، همان، ص ۱۶۸.

^{۶۷} دریافت یا پرداخت مبالغ بیشتر از یک میلیون لیره تنها به موجب چک صورت می‌گیرد. (بند ۵ ماده ۵۵ قانون انتخابات ۲۰۰۸).

^{۶۸} ماده ۵۵، همان.

^{۶۹} تقریر رقم ۲، الجمعية اللبنانية من اجل ديمقراطية الانتخابات (LADÉ) ص ۱۴

۲-۲-۴. ممنوعیت‌های نامزدها و فهرست‌ها

در زمان مبارزات انتخاباتی هدایای مالی و هزینه‌های که متضمن خدمات و پرداخت مبالغی به رأی‌دهندگان باشد، ممنوع است که شامل موارد زیر است. گرچه موارد ذکر شده حصری نیست.

۱. پرداختی‌ها و کمک‌های جنسی و نقدی به افراد، مؤسسات خیریه، اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی، دینی و غیره یا باشگاه‌های ورزشی و همه مؤسسات غیردولتی.^{۷۰}

۲. همه پرداخت‌هایی نقدی و غیر نقدی و کمک‌های ذکر شده در بالا در صورتی که از طرف نامزد یا موسساتی که مالک آن است یا آن را مدیریت می‌کند، ممنوع نیست، به شرطی که به صورت منظم و تا سه سال قبل از آغاز مبارزات انتخاباتی پرداخت شود.^{۷۱}

۳. طبق بند ۸ ماده ۶۶ قانون انتخابات ۲۰۰۸ هیچ کدام از نامزدها نباید بیشتر از ۵۰٪ کل تبلیغات و آگهی‌های‌شان را به یکی از مؤسسات رسانه‌ای مانند ایستگاه رادیویی، شبکه تلویزیونی یا رسانه چاپی اختصاص دهند.

۵. مدیریت انتخابات

در لبنان و بر طبق قانون انتخابات ۲۰۰۸، وزارت کشور و سازمان‌های زیر مجموعه آن و هیئت ناظر بر مبارزات انتخاباتی که زیر نظر وزیر کشور است، انتخابات را با همکاری دیگر وزارتخانه‌ها به خصوص وزارت دادگستری مدیریت می‌کنند. از جمله نهادهایی که به عنوان زیر مجموعه‌های وزارت کشور در مدیریت انتخابات فعالیت می‌کنند، می‌توان به کمیسیون ثبت نام، کمیسیون عالی ثبت نام، هیئت حوزه رأی‌گیری، استانداران و فرمانداران، اشاره کرد. با توجه به این که وظایف و چگونگی تشکیل کمیسیون‌های ثبت نام و عالی مورد بررسی قرار گرفت لذا از ذکر آن‌ها خودداری و دو مبحث استانداران و فرمانداران و هیئت حوزه رأی‌گیری را ضمن فرایند رأی‌گیری مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۵. عملیات رأی‌گیری

قانون انتخابات سال ۲۰۰۸ فصل هفتم را به قواعد و مقررات حاکم بر فرآیند رأی‌گیری اختصاص داده است.

۱-۱-۵. مراکز رأی‌گیری

انتخابات مجلس نمایندگان در ۲۶ حوزه رأی‌گیری برگزار می‌شود که تقسیم این حوزه‌های انتخاباتی به چند مرکز رأی‌گیری که یک عمل اداری است^{۷۲} با تصمیم وزیر کشور صورت می‌گیرد و این مراکز خود متضمن تعدادی حوزه (صندوق) هستند. به این صورت که هر روستایی که تعداد رأی‌دهندگان آن، حداقل ۱۰۰ نفر و حداکثر ۴۰۰ نفر با امکان افزایش تا ۸۰۰ نفر در صورتی که به سلامت انتخابات خدشه وارد نشود، یک صندوق دارد. همچنین، در هر مرکز نباید بیش از ۲۰ صندوق وجود داشته باشد. وزیر کشور، ملزم است تصمیم خود را در مورد توزیع صندوق‌ها در روزنامه رسمی و سایت وزارت کشور حداقل ۳۰ روز از تاریخ مقرر شده برای اجرای انتخابات منتشر کند. البته، اصلاح این توزیع در خلال یک هفته قبل از برگزاری انتخابات امکان‌پذیر نیست، مگر با دلایل جدی و با تصمیم موجه این کار

^{۷۰} ماده ۵۹، همان.

^{۷۱} ماده ۵۹ قانون انتخابات ۲۰۰۸. این بند دارای ایراد اساسی است. چرا که، هم نقض‌کننده سقف هزینه‌های انتخاباتی است هم می‌تواند به عنوان وسیله‌ای برای تأثیر بر افکار و انتخاب شهروندان رأی‌دهنده باشد. تقریر رقم ۲، همان، ص ۸-۹.

^{۷۲} شکر، همان، ص ۴۹۳.

۲-۱-۵. استانداران و فرمانداران

استانداران و فرمانداران که مدیریت انتخابات را در سطح استان‌ها (پنج استان) و شهرستان‌ها (۲۶ شهرستان) بر عهده دارند، هر کدام در چارچوب صلاحیت‌شان برای هر حوزه رأی‌گیری، یک رئیس و یک یا چند معاون و دو مأمور احتیاطی برای موارد ضروری از بین کارکنان دولت تعیین می‌کند. انتخاب و نصب این کارکنان باید حداقل یک ماه قبل از زمان انتخابات صورت گیرد، و نباید از مکان تعیین شده تا سه روز قبل از انتخابات، مطلع شوند.^{۷۴}

۳-۱-۵. هیئت حوزه رأی‌گیری

هیئت حوزه رأی‌گیری از یک رئیس و یک منشی از بین کارکنان دولت که توسط استاندار و فرماندار هر کدام در چارچوب صلاحیت‌شان همان‌طور که در ماده ۷۹ آمده با امکان انتخاب دو همکار احتیاطی به هنگام نیاز و چهار معاون، تشکیل می‌شود. این چهار معاون توسط رئیس حوزه (دو نفر) و رأی‌دهندگان حاضر در زمان افتتاح حوزه رأی (دو نفر) از میان رأی‌دهندگان که سواد خواندن و نوشتن دارند، انتخاب می‌شوند. در طول مدت اجرای انتخابات، حداقل باید رئیس و نیمی از معاونین حضور داشته باشند. بنابراین، در تعیین اعضای هیئت حوزه رأی‌گیری هم مقامات دولتی دخالت دارند و هم رأی‌دهندگان که این خود گامی مثبت در مردمی کردن هیئت اجرای انتخابات در روز رأی‌گیری است. البته، بهتر بود که رئیس حوزه، مقامی منصوب شده توسط نمایندگان مردم، مانند شهردار بود. علاوه بر هیئت حوزه رأی‌گیری، هر نامزد یا فهرستی می‌تواند نماینده‌ای از میان رأی‌دهندگان حوزه انتخاباتی در کنار هیئت حوزه داشته باشند؛ به این صورت به نسبت هر حوزه رأی‌گیری می‌تواند یک نماینده تعیین کنند. همچنین، نامزد یا فهرست‌ها می‌توانند چند نماینده سیار برای همه صندوق‌ها در حوزه‌ها از بین رأی‌دهندگان انتخاب کنند که در این حالت نسبت یک نماینده برای دو حوزه رأی‌گیری در روستا و یک نماینده برای پنج حوزه رأی‌گیری در شهر است.^{۷۵}

از ساعت ۷ صبح روز یکشنبه^{۷۶} که رأی‌گیری در سراسر لبنان شروع می‌شود تا ساعت ۱۹، یعنی پایان رأی‌گیری، مدیریت داخل حوزه بر عهده رئیس حوزه است و هیچ یک از عناصر نیروهای امنیتی حق ندارند داخل حوزه حضور داشته باشند، مگر به درخواست رئیس حوزه و به صورت موقت و منحصراً برای تأمین سلامت روند رأی‌گیری.^{۷۷} این صلاحیت رئیس در مدیریت کردن حوزه رأی‌گیری نمی‌تواند مانع از اعمال حق نظارت نامزدها یا نمایندگان‌شان و ناظران معتمد بر روند رأی‌گیری شود و یا باعث اخراج نماینده نامزد از حوزه شود؛ مگر این که به‌رغم هشدار رئیس، موجب اختلال در نظم حوزه شود؛ در این صورت، رئیس باید وقایع و دلایلی که موجب اتخاذ این تصمیم شده و زمان دست یافتن به آن را در صورت جلسه‌ای تنظیم کند و آن را همراه با معاونین حاضر امضاء و بلافاصله به کمیسیون ثبت نام خاص ارسال دارد.

رئیس حوزه قبل از شروع عملیات رأی‌گیری، صندوق را باز و همراه با هیئت حوزه و نمایندگان از خالی بودن

^{۷۳}. ماده ۷۸، همان.

^{۷۴}. ماده ۷۹، همان.

^{۷۵}. ماده ۸۳، همان.

^{۷۶}. تا قبل از سال ۲۰۰۹ که انتخابات در یک روز برگزار شد، انتخابات در سال‌های ۱۹۵۲ تا ۲۰۰۰ در «چهار روز آخر هفته به‌طور متوالی» برگزار می‌شد.

National Democratic Institute (NDI), Statement of NDI Election Observer Delegation to Lebanon's 2009 Parliamentary Elections, 2009. <http://www.ndi.org>

^{۷۷}. نیروهای امنیتی، نظم را در ورودی‌های مراکز رأی‌گیری و اطراف آن تأمین می‌کنند و از هر نوع فعالیت انتخاباتی یا تبلیغاتی بخصوص بلندگوه‌ها و موسیقی جنجال‌برانگیز و پرچم‌های حزبی و حرکت دست‌جمعی در اطراف مرکز رأی‌گیری ممانعت می‌کنند. (ماده ۸۴ همان)

صندوق مطمئن می‌شود. سپس تحت نظارت مسن‌ترین معاون با قفلی صندوق را می‌بندد و در ورودی حوزه رأی‌گیری یک نسخه از فهرست‌های انتخاب‌کنندگان، تصمیم وزارت کشور مبنی بر ایجاد حوزه و محدوده آن و نسخه‌ای از قانون انتخابات و اسامی نمایندگان نامزدها در محوطه اتاقک نصب می‌کند؛ به طوری که امکان مشاهده آن‌ها برای رأی‌دهندگان، نامزدها و نمایندگان نامزدها وجود داشته باشد. همچنین، رئیس باید قبل از شروع روند رأی‌گیری، هرگونه تبلیغاتی را چون عکس، نماد و نوشته را جمع‌آوری و تا پایان رأی‌گیری مانع هرگونه فعالیت تبلیغاتی شود.^{۷۸}

۴-۱-۵. انتشار فهرست‌های حذف

وزارت کشور با استناد به فهرست‌های انتخاباتی فهرست‌های حذف را در همه حوزه‌های رأی‌گیری در لبنان و خارج آن توزیع می‌کند. هر فهرست حذف (همراه با اطلاعات وارده در فهرست‌های انتخاباتی)، مشتمل بر شماره کارت شناسایی و شماره گذرنامه در صورت فراهم نمودن آن‌ها به‌هنگام تهیه این فهرست‌ها و سه جای خالی که اولی، برای امضای رأی‌دهنده، دومی، برای امضای عضو انتصابی حوزه رأی‌گیری برای تأیید رأی‌گیری، و سومی، برای یادداشت‌های ناشی عملیات رأی‌گیری می‌باشد. رأی‌دهنده در صورتی می‌تواند رأی دهد که اسمش در فهرست حذف حوزه‌ای که می‌خواهد رأی دهد، ثبت شده باشد، یا از کمیسیون ثبت نام ذی‌صلاح تصمیمی دایر بر ثبت اسمش دریافت کند.^{۷۹}

۵-۱-۵. پاکت‌های لاک و مهرشده غیرشفاف^{۸۰}

رأی‌گیری با استفاده از پاکت‌های لاک و مهرشده غیرشفاف^{۸۱} که از روی یک نمونه واحد برای تمام رأی‌دهندگان از طرف وزارت کشور تهیه می‌شود، برگزار می‌گردد. این پاکت‌ها در محوطه حوزه‌های رأی‌گیری در جلوی رئیس حوزه در اختیار رأی‌دهندگان قرار می‌گیرد. بر روی تمام این پاکت‌ها عبارت «وزارت کشور» حک می‌شود و ممهور به مهر استانداری و یا دادگستری می‌شوند و از سوی استاندار یا فرماندار به وسیله پلیس یا ژاندارمری قبل از شروع رأی‌گیری برای هر صندوق فرستاده می‌شوند. تعداد این پاکت‌های ممهور برابر است با تعداد رأی‌دهندگانی که اسم آن‌ها در فهرست‌های انتخاباتی مربوط به آن حوزه وجود دارد. همزمان تعداد ۲۰٪ پاکت‌های بدون مهر برای رئیس حوزه ارسال و صورت جلسه تنظیمی تحویل پاکت‌ها توسط پلیس یا ژاندارمری به وسیله رئیس حوزه امضاء می‌شود که این صورت جلسه برای کمیسیون ثبت نام حوزه انتخاباتی توسط فرماندار یا معاونش ارسال خواهد شد.

۶-۱-۵. رأی‌گیری در اتاقک

مخفی بودن رأی یکی از مهم‌ترین شرایط برای صحت و سلامت رأی‌گیری است؛ چرا که امکان فشار از طرف نامزدها یا نمایندگان بر رأی‌دهندگان برای رأی دادن به نامزدی خاص وجود دارد. مخفی بودن رأی در واقع، ضمانتی برای تحقق آزادی رأی‌دهنده در انتخاب نامزد مورد نظرش می‌باشد؛ به همین دلیل، قانونگذار لبنانی در ماده ۸۷ تأکید کرده است: «هر انتخاب‌کننده در زمان ورودش به حوزه رأی‌گیری به صورت مخفی بر گه‌ای را که شامل اسامی نامزدهای

^{۷۸}. ماده ۸۶، همان.

^{۷۹}. ماده ۸۱، همان.

^{۸۰}. ماده ۸۷، همان.

^{۸۱}. در انتخابات فرانسه نیز از این پاکت‌ها استفاده می‌شود و رأی‌دهندگان اسامی نامزدهای مورد نظرشان را که از قبل آماده کردند یا در روز رأی‌گیری در بر گه‌های رأی می‌نویسند، در داخل این پاکت‌ها قرار می‌دهند.

مورد نظرش است همراه داشته باشد، و یا این که بر گه سفیدی را از میان بر گه های سفیدی که بر روی میز اتاقک وجود دارد، را بردارد و اسامی نامزدهای مورد نظرش را بر روی آن بنویسد. بنابراین، همه حوزه های رأی گیری باید یک یا چند اتاقک بر اساس ویژگی های که وزارت کشور تعیین می کند، داشته باشند. در این اتاقک، باید لوح بزرگی که اسامی تمامی نامزدها در آن نوشته شده باشد و خود کار و بر گه سفید وجود داشته باشد و رأی دهندگان باید به هنگام رأی دادن شخصاً وارد این اتاقک شوند و در صورتی که در انجام این کار کوتاهی کند از رأی دادن منع می شوند.

۷-۱-۵. شخصی بودن رأی

طبق قانون انتخابات رأی دادن لبنانی ها واجد شرایط رأی دادن تنها به وسیله خود شخص رأی دهنده و همراه داشتن کارت شناسایی امکان پذیر است؛ طبق ماده ۹۱، «رأی دهنده نمی تواند به دیگری برای اعمال حق رأی و کالت دهد. البته، همین ماده یک استثناء ذکر کرده و آن هنگامی است که رأی دهنده مبتلا به ناتوانی جسمی باشد و توانایی اعمال حق رأی خود را نداشته باشد که در این صورت رأی دهنده دیگری را برای کمک کردنش تحت نظارت هیئت حوزه رأی گیری، انتخاب می کند و به این موضوع در جای مشخص شده برای یادداشت ها در فهرست های حذف، اشاره می شود. بنابراین، یکی از اقداماتی که وزارت کشور ملزم به انجام آن است، مورد ملاحظه قراردادن نیازهای افراد معلول به هنگام تنظیم فهرست های انتخاباتی و فراهم کردن امکان اعمال حق رأی توسط این افراد است.^{۸۲}

۸-۱-۵. پایان رأی گیری

پس از آن که رأی دهنده رأی داد، فهرست حذف را امضاء و با جوهر خاصی که توسط وزارت کشور برای همه حوزه ها تهیه می شود و حداقل ۲۴ ساعت ماندگاری دارد، انگشت می زند که امضای این فهرست ها و انگشت زدن با جوهری که ماندگاری دارد، سبب می شود تا رأی دهنده نتواند بیش از یک بار رأی دهد؛ چرا که باید بعد از این که رأی داد جلوی اسمش را امضاء و انگشت بزند. بنابراین، بعد از این که تمام رأی دهندگان حاضر در محوطه حوزه، رأی دادند، رئیس حوزه پایان عملیات رأی گیری را اعلام می کند.

۲-۵. رأی گیری کارکنان

یکی از نکات جالب توجه انتخابات لبنان، رأی دادن کارکنان مسئول برگزاری انتخابات قبل از روز برگزاری انتخابات عمومی است که این مسأله در ماده ۸۰ قانون انتخابات مطرح شده و وزارت کشور را موظف به تعیین مراکز رأی گیری در ۲۶ حوزه انتخاباتی کرده است. بر طبق ماده ۸۰ قانون انتخابات و دستورالعمل^{۸۳} صادره از طرف وزیر کشور به استانداران و فرمانداران و وزارت دادگستری اقدامات زیر باید صورت گیرد:

۱. فراهم کردن امکانات لازم از جمله، صندوق و اتاقک برای رأی دادن کارکنان؛
۲. باز شدن صندوق های رأی از ساعت هفت صبح تا هفت عصر؛
۳. تعیین رئیس حوزه و معاون برای هر صندوق رأی توسط استانداران و فرمانداران از بین کارکنانی که اسامی آنها به دستشان می رسد؛

^{۸۲}. ماده ۹۲، همان.

^{۸۳}. کتاب □ من الوزير بارود یحدد الآلية المعتمدة لعملية اقتراع الموظفين

۴. فراهم کردن امکانات لازم برای شمارش آراء همان‌طور که در روز برگزاری انتخابات عمومی وجود دارد؛
۵. درخواست وزارت دادگستری از رؤسای کمیسیون عالی اساسی در حوزه‌های انتخاباتی که به کمیسیون ثبت عمومی اساسی معروف‌اند، برای شمارش صندوق‌های رأی؛
۶. بعد از پایان رأی‌گیری و شمارش برگه‌های رأی استانداران و فرمانداران فوراً به وسیله نیروهای امنیتی، صندوق‌ها را به شعبه بانک لبنان ارسال و سپس در روز یکشنبه آن‌ها را برای شمارش به کمیسیون ثبت نام مربوطه باز می‌گردانند و نتایج آن‌ها به نتایج صندوق‌ها در پایان عملیات رأی‌گیری روز یکشنبه پیوست می‌شود؛
۷. نظارت بر روند رأی‌گیری کارکنان توسط رئیس کمیسیون عالی اساسی در هر حوزه.

۳-۵. رأی‌گیری غیرمقیمین

تا قبل از قانون انتخابات ۲۰۰۸ هیچ کدام از قوانین گذشته، رأی‌گیری در خارج از لبنان را برای لبنانی‌های غیرمقیم به رسمیت نشناختند. بنابراین، لبنانی‌های غیرمقیم در صورتی که تمایل به رأی دادن داشتند، مجبور بودند با صرف هزینه‌های بسیار به لبنان آمده و حق رأی خود را اعمال کنند. اما اکثر لبنانی‌های خارج از کشور^{۸۴} از سفر به لبنان برای رأی دادن خودداری می‌کردند؛ به همین خاطر، برخی گروه‌ها و نامزدها از این مسأله سوءاستفاده می‌کردند و با پرداخت هزینه‌های سفر رأی‌دهندگان خارج از کشور، از آن‌ها می‌خواستند که به نفع نامزد خاصی رأی دهند؛ امری که برخی گروه‌ها و اشخاص آن را نوعی خرید رأی می‌دانند.^{۸۵}

با توجه به مطالب گفته شده و این که لبنانی‌های غیرمقیم بتوانند حق رأی خود بدون صرف هزینه و وقت زیاد اعمال کنند، قانون انتخابات در فصل دهم رأی‌گیری از لبنانی‌های غیرمقیم در خارج از کشور را به رسمیت شناخته و قواعد مشخص را در این زمینه وضع کرده است. بنابراین، لبنانی‌های غیرمقیم در لبنان در صورتی که اسمشان در فهرست‌های انتخاباتی باشد و مانع قانونی برای اعمال حق رأی نداشته باشند، می‌تواند در عملیات رأی‌گیری در سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های لبنان در خارج از کشور بر اساس احکام عمومی که برای لبنانی‌های مقیم اجرا می‌شود و احکام فصل دهم این قانون، شرکت نموده و حق رأی را اعمال کنند.^{۸۶}

۴-۵. شمارش آراء و اعلام نتایج

شمارش آراء عملیاتی است که بر پایه (در پایان رأی‌گیری) بیرون آوردن برگه‌های رأی ریخته شده در صندوق از طرف رأی‌دهندگان و مرتب کردن آن‌ها و مشخص کردن درستی و دادن توضیحی در مورد آن.^{۸۷} عملیات شمارش از مهم‌ترین و پرخطرترین مراحل یک انتخابات محسوب می‌شود؛ چرا که امکان جابه‌جایی و نادیده گرفتن رأی شهروندان در این مرحله نسبت به دیگر مراحل انتخابات بیشتر است و در صورت عدم وجود قوانین و ناظر بی‌طرف امکان تقلب در حد بالایی وجود دارد. بنابراین، عملیات انتخابات در روز انتخابات به نقطه حساس دشوار خود می‌رسد و در این روز شمارش آراء معتبر و درست نقش سرنوشت‌سازی ایفاء می‌کند.^{۸۸} به‌خصوص در زمینه کسب اعتماد رأی‌دهندگان و

^{۸۴}. آمار غیر رسمی نشان می‌دهد که بین ۱۵ تا ۲۰ میلیون لبنانی در خارج از لبنان سکونت دارند. ر. ک.: پروین، خیرالله، «بررسی نظام حقوقی لبنان»، نشریه حقوق اساسی، سال چهارم، شماره ۸، تابستان ۱۳۸۶، ص ۸۰.

^{۸۵}. تقریر نهائی الانتخابات النيابية ۲۰۰۹؛ بعثة الاتحاد الأوروبي لمراقبة الانتخابات في لبنان، ص ۱۷.

www.eueomlebanon.org

^{۸۶}. ماده ۱۰۴-۱۰۵، همان.

^{۸۷}. الزیدی، ولید، فهرس المصطلحات الانتخابية، المرصد العربي للانتخابات، www.entekhabat.org

^{۸۸}. استوک، ملیسا و نیل نافیت و غلین کوان، الفرز السريع و مراقبة الانتخابات، المعهد الديمقراطي الوطني للشؤون الدولية، ص ۱۳.

پذیرش نتیجه توسط نامزدهای شکست خورده در انتخابات.

۱-۴-۵. شمارش آراء

قانونگذار لبنانی در فصل هشتم قانون انتخابات به این موضوع توجه نموده و سعی کرده با وضع قواعد روشن و کامل، عملیات شمارش آراء را به بهترین نحو ممکن برگزار کند و مانع هرگونه تقلب و جابه‌جایی آراء شهروندان و یا نادیده گرفتن آراء آنها شود. مهم‌تر از همه سعی کرده تا اعتماد رأی‌دهندگان و نامزدها را در زمینه روند شمارش آراء و نتایج به‌دست آمده از آن را به دست آورد.^{۸۹}

بعد از پایان عملیات رأی‌گیری درهای حوزه بسته و به کسی اجازه باقی ماندن داخل حوزه به‌جز هیئت صندوق و نمایندگان ثابت و سیار نامزدها و ناظران معتمد داده نمی‌شود. پذیرش حضور نمایندگان نامزدها و ناظران نهادهای مدنی ملی و بین‌المللی در مرحله شمارش سبب اعتماد رأی‌دهندگان (حضور نمایندگان رأی‌دهندگان در هیئت صندوق) و نامزدها و ناظران نسبت به شمارش آراء و شفافیت فرایند رأی‌گیری خواهد بود. سپس صندوق‌های رأی باز و پاکت‌های درون آن شمرده می‌شود که این کار برای مطابقت دادن تعداد پاکت‌های درون صندوق با تعداد اسامی حذف شده در فهرست حذف است. بعد از شمردن پاکت‌ها، رئیس یا معاون هر پاکتی را جداگانه باز و با صدای بلند اسم یا اسامی نوشته‌شده را می‌خواند و خواندن اسامی باید با حضور نامزدها یا نمایندگان‌شان و ناظران معتمد در صورت حضور در حوزه رأی‌گیری و نظارت فعال آنها صورت بگیرد.^{۹۰}

موضوعی که قانونگذار برای شفافیت هر چه بیشتر در روند شمارش آراء وضع کرده، تکلیفی است که بر عهده وزارت کشور گذاشته شده و آن نصب دوربین‌ها در محل حوزه رأی‌گیری برای نشان دادن محتوای برگه‌های رأی به هنگام شمارش آراء است. نصب این دوربین‌ها مانع از تقلب به هنگام شمارش آراء توسط هیئت حوزه می‌شود؛ چرا که همزمان که محتوای برگه‌های رأی توسط هیئت شمارش می‌شود، محتوای این برگه‌ها بر روی صفحه تلویزیون نصب شده در حوزه ظاهر می‌شود و ناظران از محتوای آنها آگاه می‌شوند. در صورتی که اسامی نامزدهای نوشته‌شده در برگه رأی بیشتر از تعداد کرسی‌های مشخص شده برای آن حوزه باشد، اسامی نامزدهای هر طایفه به تعداد مشخص شده خوانده می‌شود و بقیه نادیده گرفته خواهند شد.^{۹۱}

نکته آخری که در مورد شمارش آراء باید به آن پرداخت، مسأله برگه‌های سفید و باطله است؛ طبق ماده ۹۶، «برگه‌های رأی که دارای نشانه‌های شناسایی و یا عباراتی توهین‌آمیز به نامزدها و اشخاص دیگر باشند و نیز برگه‌های موجود در پاکت‌ها دارای این شرایط (نشانه‌های شناسایی و یا عباراتی توهین‌آمیز) باطل محسوب می‌شوند. همچنین، برگه‌هایی که مشتمل بر اسامی نامزدهایی باشند که دارای نوشتار مختلف هستند، باطل تلقی می‌شوند.

۲-۴-۵. اعلام نتایج

مطابق ماده ۹۷ قانون انتخابات ۲۰۰۸ بعد از شمارش آراء رئیس حوزه، نتیجه رأی‌گیری را به صورت موقت اعلام و اعلامیه در این زمینه بر درب حوزه نصب می‌کند و هر یک از نامزدها یا نمایندگان‌شان می‌توانند رونوشتی طبق اصل این اعلامیه درخواست کنند. سپس رئیس حوزه باید فهرست حذف را که توسط رأی‌دهندگان امضاء شده و همه برگه‌های

^{۸۹} با توجه به روند شمارش آراء در انتخابات سال ۲۰۰۹ و نتایج به دست آمده و پذیرش این نتایج از سوی رأی‌دهندگان و نامزدها بخصوص نامزدهای شکست خورده به‌نظر می‌رسد که قانونگذار لبنانی در این زمینه موفق بوده است.

^{۹۰} ماده ۹۴، همان.

^{۹۱} ماده ۹۶، همان.

رأی و صورتجلسه کارهای ثبت شده در طول عملیات رأی گیری و صورت اعلان نتیجه را در لفافه مخصوص قرار دهد. سپس این لفافه را با شمع قرمز لاک و مهر کند و آن را به دست رئیس کمیسیون ثبت نام و یا نماینده اش که مسئول باز کردن این لاک و مهر بعد از حضور نمایندگان نامزدهاست، بسپارد. بعد از اعلان موقت نتایج، کمیسیون ثبت نام اقدام به بررسی صورتجلسه ها و اسناد می کند و تصمیمات لازم را در مورد آنها اتخاذ می کند و ارقام رسیده از هر صورت جلسه را به سمع حضار (نامزدها یا نمایندگان آنها) می رساند. این کمیسیون همچنین آرائی که هر نامزد به آن دست یافته را شمارش می کند و نتیجه آراء را بر اساس جداول و صورتجلسه ها، در دو نسخه بعد از امضای آنها از طرف همه اعضای کمیسیون برای کمیسیون عالی ثبت نام در حوزه های انتخاباتی می فرستد.^{۹۲}

کمیسیون عالی ثبت نام مطابق ماده ۱۰۰ بعد از دریافت اسناد به بررسی آنها می پردازد و در صورت وجود اشتباهات داده ای و آماری به تصحیح آنها می پردازد. سپس همه آراء جداولها را شمارش و نتیجه نهایی حوزه انتخاباتی را در جدول نهایی با عدد و حروف ثبت می کند و صورتجلسه را به همراه جداول نهایی به امضای تمام اعضاء می رساند و در این هنگام رئیس نتیجه نهایی که هر نامزد به آن دست یافت در مقابل نامزدها یا نمایندگان شان اعلام می کند. بنابراین، کمیسیون عالی مرجع پژوهش خواهی از تصمیم و اعلامیه کمیسیون ثبت نام در مورد نتایج نیست و تنها یک مرجع تحقیق و بررسی در مورد نتایج اعلام شده از طرف کمیسیون ثبت نام و تدوین نتایج بدست آمده در مورد هر نامزد می باشد. این کمیسیون بعد از اعلام نتایج، صورتجلسه نهایی نتایج را همراه با جدول عمومی نتایج و اسامی نامزدهای پیروز به استانداران و فرمانداران و وزارت کشور و شهرداریها (مسئول اعلان نتایج نهایی) ارسال می دارد. وزیر کشور نیز فوراً این نتایج را به رئیس مجلس نمایندگان و رئیس شورای قانون اساسی ابلاغ می کند. سپس برگه های رأی را در داخل یک بسته بندی که به حوزه های داخل آن اشاره می کند برای مدت سه ماه از تاریخ اعلان نتایج نزد بانک مرکزی لبنان به صورت محرمانه نگهداری می شود، سپس وزارت کشور و شهرداریها برگه های رأی را پیرو یک گزارش کتبی از بین می برد. مگر این که مورد بازبینی یا اعتراض نزد شورای قانون اساسی قرار گیرند.^{۹۳}

بنابراین، اعلام نتایج از اعلام موقت تا اعلام نهایی چندین مرحله را طی می کند و در هر مرحله نتایج به سمع نامزدها و یا نمایندگان شان رسانده می شود که این رویه به برگزاری انتخابات سالم و شفاف در لبنان کمک شایانی می کند؛ به ویژه این که در کمیسیون های ثبت نام و عالی به عنوان دو مسئول شمارش در کنار هیئت حوزه، از مقامات قضایی و شورای شهرداری استفاده می شود.

در پایان این قسمت، ذکر چند نکته در مورد برنده شدن در انتخابات لازم و ضروری است:

۱. طبق ماده ۴۸، کسانی که در انتخابات پیروزی می شوند مبلغ تأمین را دریافت می کنند. اما، بازنده گان تنها در صورتی که ۲۰٪ آراء قانونی شمارش شده حوزه انتخابیه را به دست آورند، می توانند مبلغ تأمین را که شش میلیون لیره لبنانی است، دریافت کنند. حق نامزد شدن که مبالغ بر یک میلیون لیره است به هیچ کدام از برندگان و بازندگان پس داده نمی شود.

۲. نکته جالبی که در قانون انتخابات و ماده ۵۰، برنده شدن در انتخابات بدون این که رأی گیری و رقابتی صورت گرفته باشد است.^{۹۴} طبق این ماده، «هنگامی که زمان درخواست نامزدی پایان یابد و تنها یک نفر برای کرسی نامزد می شود، این نامزد پیروز محسوب می شود و وزیر کشور فوراً به طور کتبی این امر را به اطلاع رئیس مجلس نمایندگان

^{۹۲}. ماده ۹۸ و ۹۹، همان.

^{۹۳}. ماده ۱۰۱، همان.

^{۹۴}. در انتخابات سال ۲۰۰۹ سه نامزد از ارتودکس ها در بیروت الثانی و المتن بدون رأی گیری برنده انتخابات شدند. تقریر النهائی للانتخابات النیابیه ۲۰۰۹،

همان، ص ۲۰.

می‌رساند». این نوع پیروزی در انتخابات غیرقابل توجیه و انتقادآمیز است. چرا که امتناع از نامزدی و وارد عرصه انتخابات شدن را می‌توان دلیل بر بیماری جامعه و منعکس‌کننده نفوذ و قدرت گروهی معین بر اراده مردم و کنترل روند انتخابات دانست.^{۹۵}

۴. قانون ۲۰۰۸ در مورد حالتی که آراء نامزدها مساوی باشد راه‌حلی ارائه نداده است و در این زمینه سکوت کرده است؛ چیزی که در قانون انتخابات ۲۰۰۰ و در ماده ۶۲ راه حل آنرا ارائه شده است؛ به این ترتیب که نامزدی که از لحاظ سنی مسن‌تر بود، برنده تلقی می‌شد.

۶. جرائم و تخلفات

در قانون انتخابات سال ۲۰۰۸ سه نوع جرم و تخلف انتخاباتی ذکر شده که برای هر کدام از آنها مجازات خاصی تعیین شده است که در ادامه به بررسی این سه نوع جرم و تخلف که به سه گروه تعلق دارند، می‌پردازیم.^{۹۶}

۱-۶. جرائم و تخلفات مالی و هزینه‌ها

طبق ماده ۶۲ قانون انتخابات هر کسی که عامدانه عملی مخالف احکام مربوط به تأمین وجه و هزینه‌های انتخاباتی انجام دهد، به مجازات حبس برای مدتی حداقل شش ماه و پرداخت جریمه‌ای معادل ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون لیره لبنانی و یا یکی از این دو مجازات محکوم می‌شود. همچنین طبق بند ۲ همین ماده، هنگامی که اعتراض ارائه شد، گزارش کمیسیون و گزارش بیانات کامل نامزد به شورای قانون اساسی فرستاده می‌شوند. مدارک گفته‌شده به پرونده اعتراض انتخاباتی نامزد ضمیمه می‌شود.

۲-۶. تخلف در مبارزات انتخاباتی

در صورتی که رسانه‌ها از اصول مندرج در فصل ششم قانون انتخابات تخلف کنند، هیئت ناظر بر مبارزات انتخاباتی با توجه به احکام قانون مجازات و قانون مطبوعات و قانون رسانه‌های تصویری و صوتی اقدامات لازم و مناسب را در مورد این رسانه‌ها متخلف اتخاذ کند. طبق ماده ۷۶ هیئت می‌تواند اقدامات زیر را آن‌چنان که شایسته و مناسب است اتخاذ نماید:

الف): هشدار به رسانه‌های متخلف و الزام آن‌ها به پخش معذرت‌خواهی یا الزام آن‌ها به دادن فرصت به نامزد متضرر برای پاسخگویی؛

ب): ارجاع رسانه متخلف به دادگاه مطبوعات ویژه که اتخاذ تصمیم مناسب در مورد بندهای زیر به این دادگاه بستگی دارد:

۱. مکلف کردن رسانه متخلف به پرداخت غرامت بین ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون لیره لبنانی؛
۲. توقیف موقت رسانه متخلف از کار و حداکثر برای سه روز که این توقیف شامل همه برنامه‌ها، نشریات، مصاحبه‌ها و سمینارهای سیاسی و خبری است.
۳. در صورت تکرار تخلف رسانه متخلف به‌طور کامل توقیف می‌شود و همه برنامه‌هایش برای مدتی حداکثر سه

^{۹۵}. نعمه اسماعیل، همان، ص ۴۷.

^{۹۶}. البته لازم به ذکر است که علاوه بر این مجازات‌های که برای متخلفین در قانون انتخابات در نظر گرفته شده است، قانون مجازات در ۴ ماده (۳۲۹-۳۳۰-۳۳۱) به موارد جرائم مرتبط به انتخابات و مجازات‌های که برای آن‌ها در نظر گرفته شده است، اشاره می‌کند.

روز تعطیل می‌شود. در صورتی که پرونده رسانه متخلف به دادگاه مطبوعات ارسال شود، نماینده عمومی رسانه متخلف با خواست خود یا درخواست زیان‌دیده در دادگاه مطبوعات حاضر می‌شود و رسانه شکایت‌شده از آن باید ظرف مدت ۲۴ ساعت از اطلاعش، یادداشتی را به دادگاه ارائه دهد. دادگاه موظف است حداکثر ظرف ۲۴ ساعت تصمیمش را اعلام کند. پس از صدور حکم نماینده عمومی ظرف ۲۴ ساعت و رسانه‌های محکوم شده ظرف ۲۴ ساعت از ابلاغ حکم به آن‌ها می‌توانند نزد دیوان تمیز درخواست تجدیدنظر کنند. این درخواست تجدیدنظر تصمیم دادگاه را متوقف نمی‌کند، مگر این که دیوان تمیز حکم به توقف تصمیم دادگاه و وارد بودن اعتراض نماید. در صورت محکومیت، رسانه موظف است ظرف مدت ۲۴ ساعت از پخش خبر شکایت‌شده از آن، اصلاحیه و پاسخ‌های که نامزدها می‌دهند، پخش و منتشر کند. البته، در صورتی که پاسخ نامزدها مخالف قوانین باشد، رسانه‌ها می‌توانند از پخش پاسخ خودداری کنند.^{۹۷}

۳-۶. جرائم و تخلفات مسئولین حوزه رأی‌گیری

طبق بند چهار ماده ۷۹، «هر مأموری که بدون عذر موجه از پیوستن به مرکز حوزه رأی‌گیری که در آن به‌عنوان رئیس یا معاون تعیین شد، سر باز زند، به مدت یک ماه با جریمه‌ای معادل یک میلیون لیره لبنانی مجازات می‌شود. در این حالت تنها گزارش‌های پزشکی که به‌وسیله کمیسیون پزشکی عمومی به جریان افتاده، باید مورد ملاحظه قرار گیرند. همچنین، رئیس حوزه یا معاون وی هنگامی که در تعهدات تکلیف‌شده خلل ایجاد کنند و از اصول مشخص شده در این قانون پیروی نکنند، به مجازات سه ماه تا سه سال حبس یا پرداخت جریمه از یک میلیون تا سه میلیون لیره لبنانی محکوم می‌شوند؛ در این صورت بر خلاف احکام ماده ۶۱ قانون کارکنان مصوب ۱۹۵۶/۶/۱۲،^{۹۸} دعوای حقوق عمومی با یک دادخواست شخصی از طرف نامزد یا بر اساس دادخواست مدعی‌العموم یا به دادخواست رئیس کمیسیون ثبت‌نام خاص صورت می‌گیرد. این دادخواست، نیازی به تأیید و موافقت اداره متبوع کارمند ندارد.

^{۹۷}. ماده ۷۷، همان.

^{۹۸}. قانون الموظفين صادر فی ۱۹۵۶/۶/۱۲.